نافرمانی والدین

اسباب و راه علاج

ویژه اهل سنت





مؤلف: محمد بن ابراهیم الحمد


منتدى إقراء الثقافي

نافرمانی والدین

اسباب، راه علاج

مؤلـف :

محمد بن ابراهیم الحمد

مترجم :

عبدالحمید گل مهر آبادی

طلبه حوزه علمیه احناف خواف

احمد، محمد ابراهیم
(عقوق الوالدین اسبابها، مظاهره، سبل العلاج. فارسی)
نافرمانی والدین اسباب، راه علاج/ مولف محمد بن ابراهیم الحمد،
مترجم عبدالحمید گل مهرآبادی. ـ تربت جام: آوای اسلام، ۱۳۸۵.
ی، ۵۲ص.
ISBN:964-2555-09-3
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
۱. والدین ـ احادیث اهل سنت. ۲. والدین و کودک (اسلام).
۳. والدین و نوجوانان ـ جنبه های مذهبی ـ اسلام. ۴. اسلام و خانواده.
الف. گل مهرآبادی، عبدالحمید، ۱۳۶۰، مترجم. ب. عنوان. ج. عنوان.
عقوق الوالدین اسبابها، مظاهره، سبل العلاج. فارسی.
۷۰۴۱ ع ۸ ح / ۶ / BP ۲۵۳ ۲۹۷/۶۴۶
۱۳۸۵
کتابخانه ملی ایران ۸۵-۱۳۵۵۸م

نافرمانی والدین

مولف: محمدبن ابراهیم الحمد

مترجم: عبدالحمید گل مهرآبادی

ناشر: آوای اسلام

نوبت چاپ: دوم پاییز ۱۳۸۸

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

شابک: ۳-۰۹-۲۵۵۵-۹۶۴

چاپخانه: دقت (۶خط) ۳۱۲۵۰۵۲

مرکز پخش: انتشارات آوای اسلام - تلفن: ۰۹۱۵۵۱۸۸۳۴۲
خواف: کتابفروشی شمس تلفن: ۰۵۳۲۴۲۲۳۴۸۰

تقدیم

❖ به روح پر فتوح حضرت مولانا شمس الدین مطهری (رح) ، مولانا غلام احمد موحدی (رح)

❖ به تمام اساتید و معلمانی که علم و دانش را از آنان آموختم .

❖ به پدر و مادر عزیز و ارجمندم که از هیچ سعی و تلاشی در راه تربیت دینی ام دریغ نورزیده و در همه حال پشتیبان و تکیه گاه مستحکمی برایم بوده و هستند .

فهرست موضوعات

مقدّمه مؤلّف

الحمد لله ، والصلاة والسلام علی رسول الله ، نبیّنا محمّد و علی آله و صحبه و من والاه . امّا بعد :

چنان که می دانید حقّ پدر و مادر بر فرزند بسیار عظیم است و در دین هم مقام و منزلت ایشان بسیار بالاست . پس احسان کردن به والدین مقارن توحید و همچنین شکر گذاری آنها نیز مقرون به شکر الله ﷻ است و احسان به ایشان از بهترین اعمال در نزد خدا به شمار می رود . چنان که خداوند جل جلاله در کتاب خویش مکرراً در مورد والدین سفارش فرموده است . از جمله قال الله تعالی : ﴿ وَاعْبُدُواْ اللّهَ وَلاَ تُشْرِكُواْ بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ﴾ نساء / ۳۶

خدای یکتا را بپرستید و هیچ چیز را شریک وی قرار ندهید و نسبت به پدر و مادر نیکی کنید .

و قال تعالی : ﴿ قُلْ تَعَالَوْاْ أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلاَّ تُشْرِكُواْ بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ﴾ انعام / ۱۵۱

بگو بیائید تا آنچه را خداوند بر شما حرام کرده همه را به راستی بیان کنم ، این که به خدا به هیچ وجه شریک نیاورید و دیگر این که به پدر و مادر احسان و نیکی کنید .

و قال تعالی : ﴿ وَقَضَى رَبُّكَ أَلاَّ تَعْبُدُواْ إِلاَّ إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلاَهُمَا فَلاَ تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلاَ تَنْهَرْهُمَا وَقُل

لَهُمَا قَوْلاً كَرِيمًا، وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيراً ﴾ اسراء / ۲۴-۲۳

و خدای تو حکم فرموده که جز او هیچ کس را نپرستید و دربارهٔ پدر و مادر نیکویی کنید و چنانچه هر دو یا یکی از آنها پیر و سالخورده شوند ، مبادا کلمه ای (اف) بگویید که رنجیده خاطر شوند و کمترین آزاری به آنها نرسانید و با ایشان با اکرام و احترام سخن گویید ، و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو پروردگارا ! چنان که پدر و مادر، مرا به مهربانی پرورش دادند ، تو در حقّ آنها رحمت و مهربانی فرما .

و قال تعالی : ﴿ وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ﴾ لقمان / ۱۴

و ما به هر انسانی سفارش کردیم که در حقّ پدر و مادر خود نیکی کند ، به ویژه مادر که بار فرزند را حمل کرده و تا دو سال به او شیر داده ، سپس او را از شیر باز گرفته است . شکر من و پدر و مادر را به جای آور که بازگشت خلق به سوی من خواهد بود .

در این مورد احادیث بسیار زیادی موجود است که از آنها یکی را در اینجا بیان می کنیم .

عن عبدالله بن مسعود « قال : سألت رسول الله ﷺ : ایُّ العمل احبُّ الی الله ؟ قال : الصلاة فی وقتها قلتُ ثمّ ایُّ قال : بر الوالدین قلت ثم ایُّ ؟ قال : الجهاد فی سبیل الله » بخاری / ۵۲۷ ، مسلم/ ۵۸

حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می فرماید : من از رسول خدا ﷺ سئوال کردم که چه عملی در نزد الله جل جلاله از همه بهتر است ؟ فرمودند : خواندن نماز در وقتش باز پرسیدم بعد از آن چه عملی ؟ فرمودند : نیکی به پدر و مادر ، بار سوم پرسیدم : بعد از آن چه عملی ؟ فرمودند : جهاد کردن در راه خدا .

نیکی به پدر و مادر از اعمالی است که عقل انسان به آن حکم می کند و تمام ادیان گذشته و روش و عادت انبیاء بر آن تأکید می کند که باید حقّ پدر و مادر را ادا نمود و به آنها نیکی کرد و روش صالحین نیز همین بوده است. از محاسن شریعت اسلامی آن است که برای پدر و مادر ارزش و فضیلت قائل است که بر کامل بودن آن دلالت می کند و بر خلاف قوانین وضع شده در روی زمین که هیچ حق و فضیلتی را برای پدر و مادر در نظر نگرفته است ، اسلام همه حقوق پدر و مادر را در بر دارد .

چنان که می دانید عالم غرب با آن همه پیشرفت تکنولوژی خود ، هیچ فضیلت و حقّی را برای پدر و مادر در نظر نگرفته است و در قوانین خود مادر را مانند کالایی در نظر گرفته اند که هرگاه کار برد آن تمام شد دیگر هیچ حق و حقوقی ندارد و نهایت ارزشی که برای پدر و مادر قائل می شوند ، این است که در هر سال یک روز را مخصوص مادر نام گذاری کرده اند که آن را عید مادر

یا همان روز مادر نامیده اند و در آن روز دختران و پسرانشان کادو و هدایایی را به آنها تقدیم می کنند و آن را به محبّت و نیکی تعبیر می کنند و این نهایت کار آنهاست . آیا این رعایت حق والدین است و آیا می توان همین کار را وفای به عهد والدین نامید ؟

افراد از حقوق والدین غافلند و فضیلت ایشان را درک نمی کنند . امّا در اسلام موضوع متفاوت است. با دقّت در آیات و احادیثی که بیان شد ، اهمیّت آن را می توان دریافت. حتّی اسلام ما را از نافرمانی والدین نهی کرده و نهایت ارزش این مسأله را در آنجا نشان داده که نافرمانی والدین را جزء گناهان کبیره و مقارن شرک به خداوند قرار داده است .

برای تثبیت این موضوع تنها همین آیه کافی است که خداوند ﷻ فرموده است : ﴿ لاَ تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلاَ تَنْهَرْهُمَا ﴾ اسراء / ۲۳

« به پدر و مادر کلمه ای (اف) نگویید که رنجیده خاطر شوند و کمترین آزاری به آنها نرسانید . »

با دقّت در این آیه متوجّه می شویم که خداوند ﷻ گفتن کلمه ی « اُف » یا هر کلمه ای را که سبب رنجش والدین شود ناپسند دانسته است تا خود بدانید که گفتن سخنانی سخت تر از آن چگونه است. در این باره احادیث زیادی هم وجود دارد . « **عن عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه عن النبی ﷺ قال : الکبائر : الاشراک بالله و عقوق الوالدین و قتل النفس و الیمین الغموس** »

بخاری / ۶۶۷۵

حضرت عبدالله بن عمرو ﷺ از رسول خدا ﷺ روایت می کند که فرموده است : از جمله گناهان کبیره امور ذیل می باشد :

۱- شریک آوردن به خداوند ۲- نافرمانی پدر و مادر ۳- کشتن و تلف کردن نفس ۴- قسم غموس [1] و به ناحق

مورد نیکی به آنان و با وجود آن که اسلام از نافرمانی پدر و مادر شدیداً نهی کرده است و به عذابِ شدیدی اشاره نموده است که نافرمانان را در بر خواهد گرفت ، باز هم عدّه ای با از یاد بردن حقوق والدین ، از نافرمانی آنان باکی ندارند و حقوقشان را پایمال می کنند .

امّا با وجود منزلت والای والدین و بر خلاف تأکید اسلام در این کتاب دو موضوع نافرمانی والدین و نیکی به آنها بررسی خواهد شد . با امید آن که برای خوانندگان مفید واقع شود و کاستی های آن را به دیده ی اغماض نگرند . در آخر از خداوند تبارک و تعالی می خواهیم که ما را در زمره بهترین بندگان خود قرار دهد . آمین یا رب العالمین والله اعلم

و صلی الله و سلّم علی نبیّنا محمّد و آله و صحبه

---

[1] غموس : قسمی که خلاف واقعیت است یعنی غوطه ور شدن در گناه و شخص با این قسم خود در گناه غوطه ور می شود .

مقدمه مترجم

الحمد لله رب العالمین والعاقبه للمتقین والصلوه و السلام علی خیر خلقه محمد و علی آله واصحابه اجمعین .

وَ وَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ

ما به انسان در مورد پدر و مادرش سفارش کرده ایم (که در حق ایشان نیک باشید و نیکی کنید ، بویژه مادر ، چرا که) مادرش بدو حامله شده است و هر دم به ضعف و سستی تازه ای دچار آمده است . پایان دوران شیرخوار گی او دو سال است (و دراین دوسال نیز ، کودک شیر ، یعنی شیرجان مادر را می نوشد ، مادر در این مدّت ۳۲ ماهه حمل و شیرخوارگی مهمترین خدمات و بزرگترین فداکاری را مبذول می دارد ، لذا به انسان توصیه ما این است) که همه سپاسگزار من و هم سپاسگزار پدرت و مادرت با شد و (بدان که سرانجام) بازگشت بسوی من است (و نیکان را جزا و بدان را سزا می دهد .)

چنانچه از این آیه مفهوم شد نیکی به پدر و مادر و ادای حقوقشان از جمله ارزشهایی است که نصوص صریح و قاطع فراوانی در کتاب و سنت آن را تأکید می کند و اگر کسی حقوق پدر و مادر را نادیده بگیرد. و پایمال کند مستحق عذاب الهی قرار می گیرد .

چنانچه در حدیث رسول خدا ﷺ بیان شده است که خشنودی خداوند بستگی به خشنودی پدر و مادر دارد .

حال با این مقدمه ی کوتاه اهمیت و حساس بودن این موضوع سبب شد تا این کتاب را ترجمه نموده تا امت مسلمان انواع راهها و اسباب نافرمانی والدین را که منجر به عذاب الهی می شود بدانند و بر اهمیت موضوع پی ببرند .

در خاتمه از تمام عزیزانی که بنده را در رابطه با جمع آوری کتاب خصوصاً برادران عزیز جناب آقای عبدالطیف شعبانی و آقای حامد عصار رودی متصدی کیمیا رایانه شهرستان خواف که در امور تایپ و حروفچینی و خواهر زهرا خوشامن که در امور و پرایش کتاب اینجانب را همکاری کردند کمال تشکر و امتنان را دارم .

عبدالحمید گل مهرآبادی

طلبه ی حوزه ی علمیه احناف خواف - ۸۵/۳/۲۱

تقریظ جناب مولانا مطهری (حفظه الله)
مدیر حوزه علمیه احناف خواف

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم اما بعد :

طلبه ی عزیز آقای عبدالحمید گل مهرآبادی سه رساله بنامهای۱- نافرمانی والدین ۲- خاتمه ی نیکو ۳- احکام تفریح و ورزش در اسلام را که از عربی به فارسی ترجمه کرده بود به اینجانب ارائه نمود. با مطالعه ی قسمتی از مطالب رسائل مذکور مضامین آن را نافع و مفید برای خوانندگان یافتم امید است که طلاب و اهل علم احساس مسؤلیت نموده و از هر گونه سعی و تلاش جهت ارائه ی فرهنگ اسلامی به مردم کوتاهی نفرمایند.

اینجانب ضمن تقدیر و تشکر برای توفیق بیشتر این طلبه ی عزیز از خداوند متعال التماس دعا دارم.

(مولانا) حبیب الرحمن مطهری

مدیر حوزه ی علمیه ی احناف ۱۳۸۵/۳/۱۷

تقریظ مولانا شهاب الدین شهیدی (حفظه الله) شیخ الحدیث حوزه علیمه احناف خواف

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم اما بعد :

رساله ای در پیش که موضوعش نافرمانی والدین می باشد و ابعاد مختلف موضوع را بررسی نموده برگردانی است از رساله ی محمد ابراهیم الحمد که توسط طالب عزیز عبدالحمید گل مهر آبادی ترجمه و جهت استفاده عموم به زبان فارسی ترجمه گردیده است و در اختیار مردم قرار داده شده است امید است خداوند به مترجم عزیز و محترم توفیق خدمت بیشتر و بهتر و به جوانان عزیز و مسلمانان شوق و علاقه استفاده کاملتر از این رساله عنایت بفرماید .

با التماس دعای خیر

(مولانا) شهاب الدین شهیدی

تقریظ مولانا عبدالله موحدی (حفظه الله) استاد حدیث
حوزه علیمه احناف خواف

الحمد لله و کفی و سلام علی عباده الذین اصطفی ، و بعد :

حقیر چند صفحه از سه رساله ی ۱- احکام تفریح و ورزش در اسلام ۲- نافرمانی والدین ۳- خاتمه ی نیکو ، که توسط برادر عزیز و ارجمند عبدالحمید گل مهرآبادی وفقه الله ترجمه گردیده و از این حقیر تقاضای تقریظ نموده بود مطالعه نمودم و چون موضوعات رسائل مذکوره که مبتلا به عموم مردم بوده و بویژه برای نسل جوان عصر حاضر بسیار مفید یافتم خیلی خوشحال شدم شیوه ی استدلال و اسلوب بیان موضوعات ، طوری عالمانه و وضاحت دارد که بَهر خوانندگان اطمینان قلبی بخشیده و مجذوب آن می گردد ، در خاتمه از الله تعالی خواستارم که به عمر و علم و عمل مذکور (جزاه الله عنا و عن سائر المسلمین خیر الجزاء) برکت عطا فرموده و ایشان را برای موضوعات علمی و دینی بیشتر و بهتر موفق نموده و این گونه خدمات علمی و دینی را مورد قبول خود قرار دهد . آمین و لله الحمد اولاً و آخراً

الاحقرالداعی ابو الفضل عبدالله موحدی عفی عنه

۱۳۸۵/۳/۲۱ هـ ش

مطابق با ۱۴۲۷/۵/۱۴ هـ . ق

فصل اول

عقوق (نافرمانی)

۱- تعریف عقوق (نافرمانی)

عقوق ضد و مقابل برّ است . ابن منظور (رح) فرموده است : عقوق مادّهٔ اصلی آن از « عقَّ والده یَعُقُّه عقّاً و عقوقاً و معقَّه » و به معنای آزردن و اذیّت کردن پدر است و همچنین در حدیث آمده : « انّه ﷺ نهی عن عقوق الامّهات » : رسول خدا ﷺ از اذیّت کردن مادران هم نهی فرموده اند و همچنین نافرمانی، یعنی شکستن عصای اطاعت و فرمانبرداری پدر و مادر یا قطع نمودن آن چیزی که وصل آن بین والدین و فرزند واجب است .

۲- انواع نافرمانی والدین

نافرمانی والدین دارای انواع مختلفی است .[۲]

۱- گریاندن والدین و تحزین (غمگین کردن) آنها : خواه با گفتار یا کردار یا اسباب دیگر مثل دشنام دادن و غیره باشد .

۲- آزار رسانیدن و زجر دادن آنها : مثل بلند کردن صدا و خشونت کردن به آنها با گفتار، چنان که خداوند ﷻ فرموده است : ﴿ وَلاَ تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلاً كَرِيمًا ﴾ اسراء/۲۳

« و کمترین آزاری به آنها نرسانید و با ایشان با اکرام و احترام سخن گویید . »

---

[۲] برای تفصیل بیشتر می توانید به کتب ذیل مراجعه کنید . الف) اخلاقنا الاجتماعیه / مصطفی السباعی ب) برّالوالدین / عبدالرئوف الحناوی ج) بالوالدین احسانا / سعاد بنت محمد فرج د) قُرّة العین فی فضائل بِرّالوالدین / ام عبدالکریم و ....

۳- اف گفتن و نالیدن و به ستوه آمدن از اوامر والدین : این قسم از مواردی است که اگر چه خداوند ﷻ ما را از انجام آن نهی فرموده است امّا بسیاری از ما ، هنگامی که والدین به ما دستوری می دهند ، در جواب آنها « اُف» یا مانند آن را به زبان می آوریم، حتّی اگر بخواهیم دستور شان را انجام دهیم . در حالی که خداوند ﷻ فرموده است : « فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ » یعنی ، کلمه ای به ایشان نگویید که رنجیده خاطر شوند .

۴- ابرو در هم کشیدن و جمع کردن جبین (پیشانی) در جلو پدر و مادر : بعضی از مردم اگر به آنها نگاه کنی آنها را در اجتماع و مجالس عمومی، بسیار بشاش ، خنده رو و خوش اخلاق می بینی که از گفتن سخنان بی معنی و طولانی دوری می کنند و اگر سخنی هم بگویند بسیار شیوا و دل نشین است . امّا وقتی به خانه وارد می شوند و در مقابل والدین قرار می گیرند ، مانند شیری می غرّند و حالتشان کلّاً دگرگون می شود و تمامی خصلتهای خوبشان که در اجتماع پدیدار بود پنهان می گردد و بر عکس ، بسیار تندخو می شوند . و شاعر در این مورد گفته است :

من الناس من یصل الأ بعدینَ   و یشقی به الأقربُ الاقربُ

برخی از مردم با دورترین ها پیوند برقرار می کنند ولی نزدیک ترین ها را به فلاکت و بدبختی می کشند .

۵- نگاه نکردن و توجّه نکردن به سوی والدین در وقت تکلّم : یعنی کسی به والدین خود با خشم و غضب یا تحقیر نگاه کند . معاویه بن اسحاق از عروه بن الزبیر روایت می کند که فرموده است : « **ما برًّ والده من شدًّ الطرف الیه** »[۳]
کسی که چشم خود را از توجّه به سوی والدین ببندد به آنها نیکی و احسان نکرده است .

۶- دستور دادن والدین : یعنی این که کسی پدر و مادرش را مثلاً به جارو زدن خانه یا شستن لباس و آماده کردن غذا امر کند در حالی که این کار را اصلاً جایز نیست به ویژه اگر مادر ، مریض یا پیر باشد یا بخاطر عذری توانایی انجام آن کار را نداشته باشد . امّا اگر مادر با طیب خاطر و رغبت دل این کار را انجام دهد و عذری هم نداشته باشد اشکالی ندارد . با این حال باید از والدین تشکّر و قدردانی و برای آنها دعا کرد .

۷- انتقاد از غذایی که مادر آماده کرده است : شخص با این کار خود ، در واقع دو امر خلاف را انجام می دهد :۱- عیب گرفتن از غذا ، در حالی که این عمل جایز نیست زیرا رسول خدا ﷺ اصلاً از غذایی ایراد نمی گرفتند ، اگر مورد پسند بود میل می کردند ، در غیر این صورت آن را ترک می نمودند . ۲- به دلیل آن که مادر غذا را آماده کرده است ، به او بی ادبی می شود .

---

[۳] سیراعلام النبلاء (ذهبی) ۴۳۳/۴

۸- کمک نکردن در امور منزل : خواه در نظم و ترتیب دادن به منزل باشد یا آماده کردن غذا یا کارهای دیگر ، بعضی از پسران این کار را موجب حقارت و کسر شأن خود می دانند و بعضی از دختران با وجود آن که رنج کشیدن مادر را در امور منزل مشاهده می کنند ، از کمک رساندن به او دریغ نمی نمایند و حتّی بعضی از آنها اوقات طولانی را در گفت و گوهای بیهوده با دوستان و هم سن و سال های خود تلف می کنند امّا در کارها به مادر خود یاری نمی رسانند .

۹- روی بر گردانیدن از والدین در هنگامی که سخن می گویند : یعنی این که شخص به پدر و مادر توجّه نکند یا سخن آنان را قطع کند و یا تکذیب نماید یا با آنها مجادله کند یا در هنگام خصومت به آنها حمله ور شود با خشونت با آنان سخن بگوید . می توان تصوّر کرد که با این اعمال ، چقدر نسبت به پدر و مادر بی ادبی می شود و شأن آنان تحقیر می گردد .

۱۰- توجه نکردن به رأی و نظر والدین : بعضی از افراد هیچ گاه با والدین خود مشورت نمی کنند و در مسائل زندگی خود از آنها اجازه نمی خواهند . از جمله در مسائلی مانند ازدواج ، طلاق ، خارج شدن از منزل ، سکونت گزیدن در جای دیگر ، راه رفتن و مسافرت با دوستان و هم سن و سال ها و مانند آن .

۱۱- اجازه نگرفتن در وقت دخول بر والدین : این کار نیز خلاف ادب است زیرا پدر و مادر گاهی اوقات ممکن است در حالتی باشند که نخواهند کسی آنها را ببیند .

۱۲- آشکار کردن مشکلات در مقابل والدین : رنج ها و مشکلات مختلفی که ممکن است شخص با برادران ، همسر ، فرزندان یا دیگر افراد داشته باشد . بعضی از افراد اگر بخواهند یکی از افراد خانواده را بر خطایی سرزنش کنند ، مایلند که این کار را در مقابل والدین انجام دهند . در حالی که فکر نمی کنند این کار سبب رنجش خاطر آنها می شود .

۱۳- بد گفتن از والدین و عیب جوئی و ذکر عیوب والدین : بعضی از افراد اگر در کاری ناکام شوند مثلاً در درس خود قبول نشوند ، بهانه های بسیار می آورند و ناکامی های خود را به والدین خود نسبت می دهند و عذر می آورند که والدینشان در این مورد اهمال کرده اند و آن طور که باید آنها را تربیت نکرده اند و زندگیشان را خراب کرده اند و آیندهٔ شان را بر باد داده اند و چیزهای دیگر .

۱۴- دشنام دادن و لعن والدین : این صورت یا مستقیماً انجام می گیرد یا با روشهای دیگر مثلاً شخصی پدر و مادر دیگر را دشنام می دهد متقابلاً آن شخص هم پدر و مادر این شخص را دشنام می دهد. چنان که در حدیثی از رسول خدا ﷺ این موضوع بیان شده است . عن عبدالله بن عمرو رضی الله عنه ان رسول الله ﷺ قال : **« من الكبائر شَتم الرّجل والديه . قيل : و هل يشتم الرجل والديه ؟ قال نعم! يسب أبا الرجل فيسب اباه ، ويَسُب أُمّه فيسبُّ أمه »** از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ فرموده اند : « از جمله بزرگترین گناهان ، دشنام دادن شخص به پدر و مادر خویش است . یاران فرمودند : ای

رسول خدا ! آیا شخص پدر و مادرش را دشنام می دهد ؟ فرمودند : بلی . پدر شخص دیگری را دشنام می دهد ، پس او هم در عوض پدرش را دشنام می دهد و مادر شخصی را دشنام می دهد ، او هم در عوض مادرش را دشنام می دهد » .

۱۵- داخل کردن منکرات در منزل : مانند آوردن آلات لهو و موسیقی و وسایلی که سبب هلاکت و فساد خود شخص می شود و چه بسا سبب هلاکت و فساد برادران و اهل خانوادهٔ او قرار می گیرد . طوری که حتّی پدر و مادر هم به خاطر آنها بدبخت می شوند و خانواده از راه حقّ و هدایت منحرف می گردد .

۱۶- انجام دادن منکرات و کارهای خلاف شرع در مقابل والدین : از جمله نوشیدن شراب ، کشیدن سیگار ، شنیدن موسیقی (ترانه و غیره) ، خوابیدن در وقت نمازهای فرض، بیدار نشدن در زمانی که والدین او را بیدار می کنند ، آوردن دوستان ناباب به منزل و غیره - تمامی این کارها دلالت بر بی حیایی و بی توجهی به ارزش والدین است .

۱۷- خدشه دار کردن اسم و رسمشان : به این صورت که شخص ، اعمال سیّئه و گناهان و افعال پست را انجام می دهد و چه بسا منجر به رسوایی و زندان رفتن می گردد . این مسأله به آن دلیل از موارد نافرمانی والدین به شمار می رود که سبب غم و اندوه و بی آبرویی آنان است .

۱۸- والدین را در حرج و تنگنا و سختی قرار دادن : مثلاً شخص اشیائی را برای خود خرید می کند و پولش را نمی پردازد و دینی را که برگردن اوست سبب در تنگنا قرار گرفتن والدین می شود . یا این که مثلاً شخص در مدرسه بی انضباطی

و قانون شکنی می کند و مسئولین مدرسه مجبور می شوند . والدین او را احضار کنند . چه بسا افرادی هستند که به خاطر دین فرزندشان حبس می شوند و صاحب دین ، والدین را مجبور می کند تا دین فرزندشان را ادا کنند یا خودش را تحویل بدهند .

۱۹- زمان طولانی در خارج از منزل ماندن : این از جمله اموری است که سبب نگرانی و پریشانی والدین وموجب ناراحتی آنها می شود و چه بسا پدر و مادر به کمک فرزند خود احتیاج دارند در حالی که فرزندشان در خارج از منزل به سر می برد و کسی نیست که به آنها کمک کند .

۲۰- سخت گیری بر والدین با طلب کردن اشیاء زیاد : گاهی اوقات افرادی یافت می شوند که بر والدین خود سخت می گیرند و چیزهای زیادی را طلب می کنند ، در حالی که والدین تنگدست و فقیرند و فرزندهم از وضعیّت پدر و مادر مطلع است امّا باز هم بر مطالبات خود اصرار دارد . مثلاً اصرار بر خریدن ماشین ، موتور ، و اشیاء دیگر ، ازدواج ، خرید مسکن جدید و کامل ، طلب کردن مال زیاد برای آن که هم طراز دوستان خود قرار بگیرد . و در مقابل آنها شرمنده نشود . در حالی که انسان باید در امور دنیا به پایین تر از خود و در امور آخرت به بالاتر از خود نگاه کند تا از او سبقت گیرد و این امر سبب تقرّب او به سوی خداوند شود .

۲۱- ترجیح دادن زن بر والدین : عدّه ای از مردم اطاعت از زن خود را مقدّم بر اطاعت از والدین خود می دانند و همسرشان را بر والدین خود ترجیح می دهند

و حتّی اگر همسرشان بخواهد که او والدین خود را ترک کند ترکشان می کند ، حتّی اگر جایی و سر پناهی غیر از منزل آنها نداشته باشد . بعضی از فرزندان آن قدر در محبّت ورزیدن به همسر خود مبالغه می کنند که در مقابل والدین هم بدون هیچ گونه خجالت و شرمندگی به او اظهار محبّت می کنند و گاهی اوقات به خاطر همین مسأله بر والدین خود خشم می گیرند و حق و حقوق آنها را رعایت نمی کنند .

توضیح بیشتر این مسأله در صفحات آینده خواهد آمد .

۲۲- خلوت گزیدن و دور شدن از والدین در بزرگ سالی ، در زمانی که آنها به فرزند خود احتیاج دارند : بعضی از فرزندان هنگامی که بزرگ می شوند و صاحب کار می شوند که در مقابل آن پولی به دست می آورند ، از والدین دوری می گزینند و فقط به کار خودشان مشغول می شوند و به والدین یاری نمی رسانند و چه بسا حتّی خیلی کم هم به ملاقات آنها می روند .

۲۳- تبرّی جستن از والدین و از نسبت دادن خود به آنها و از ذکر نامشان شرمنده شدن : این مورد از زشت ترین موارد نافرمانی والدین است . مثلاً بعضی از افراد که در اجتماع دارای پست و مقام و شأن و شوکت می شوند از این که بگویند من فرزند فلان شخص هستم خجالت می کشند و خود را از آنها بری می دانند و اگر آنها در خانه باشند از این که با دوستان خود به آنجا بروند شرمنده می شوند و اگر کسی پدر و مادرشان را ببیند و در موردشان سئوال کند ، می گویند : این ها خدمتگزاران من هستند . حتّی بعضی از افراد از ذکر نام پدر

خود در مناسبات و مجالس عمومی جلوگیری می کنند . به خاطر این که خجالت می کشند و این کار بر پستی شخص ، بی خردی و حقارت شأن او دلالت می کند و گرنه انسان با کرامت و عزّتمند با نسب شریف و نجیب خود احساس غرور و عزّت و سر بلندی می کند :

إن الکرام إذا ما ایسرواذکروا من کان یألفهم فی المنزل الخشن

انسانهای بزرگوار چون به آسایش برسند از کسانی یاد می کنند که در سختی یار و همدمشان بوده اند .

۲۴- تجاوز به والدین با کتک زدن آنها : این کار ، تنها ممکن است از افراد سخت دل و قسی القلب صادر شود . افرادی که قلب آنها از رحمت و مهربانی و حیا خالی است و ارزش و اعتباری در جامعه ندارند و شهامت و جوانمردی در آنان یافت نمی شود .

۲۵- رها کردن آنها در وقت ناتوانی و نیاز به مراقبت : و این عمل نهایت پستی ، زشتی و پلیدی است که از ترس آن لرزه بر اندام می افتد و از گفتنش موی بدن سیخ می شود و کسی که این عمل را انجام می دهد هیچ خیری در او وجود ندارد .

۲۶- ترک کردن والدین و احسان و خیر خواهی نکردن در مورد آنان در صورتی که خطایی از آنان سرزده باشد : این کار یک نوع خلل و بی خردی است که شخص نسبت به والدین انجام می دهد زیرا که نیکی و احسان به والدین اگر چه کافر باشند واجب است . می توان تصوّر کرد ، در صورتی که پدر و مادر

مسلمان باشند ، چگونه است . هیچ انسانی خالی از خطا نیست و پدر و مادر هم ممکن است اشتباهاتی داشته باشند .

۲۷- بخل و خرج نکردن برای والدین : بعضی از مردم در مورد خرج و نفقه بر والدین بخل می ورزند و اگر هم نفقه ای به آنان بپردازند ، بسیار کم است . حتّی اگر پدر و مادرشان احتیاج شدیدی هم داشته باشند هیچ باکی ندارد . و حتّی به کمک کردن به آنها نمی اندیشند .

۲۸- منّت گذاشتن بر والدین : برخی از افراد به پدر و مادر خود احسان و نیکی می کنند امّا در مقابل ، آن را با منّت گذاشتن و اذیّت کردن و بر شمردن نیکی های خود فاسد می کنند و اجرش را از بین می برند .

۲۹- دزدی از والدین : شخص با این کار خود در واقع دو عمل خلاف انجام می دهد : ۱- دزدی ۲- نافرمانی والدین . گاهی اوقات اشخاصی که محتاجند ، از والدین خود دزدی می کنند. گاه از پیری و غفلت آنها سوء استفاده می کنند . گاه ، آنها را فریب می دهند و پولی را مثلاً برای خرید زمین یا چیز دیگر مطالبه می نمایند امّا بر خلاف قول خود عمل می کنند . گاهی والدین خبر ندارند و فرزندشان به حساب آنها پولی قرض می گیرد و والدین مجبور می شوند آن را ادا کنند .

۳۰- ناله کردن و اظهار درد و مصیبت در مقابل والدین : این هم یکی از صورت های بسیار زشت ، نافرمانی والدین است زیرا والدین ، خصوصاً مادر ، به خاطر درد و مصیبت فرزند حتّی گاهی بیشتر از او احساس پریشانی و درد می کنند .

۳۱- دور شدن از والدین و غربت بدون کسب اجازه از آنها ، بی آنکه احتیاجی به این کار باشد : بعضی از فرزندان اثر دوری از والدین خود را احساس نمی کنند و تلاش می کنند که از آنان دور باشند و به شهر یا روستای دیگر مسافرت کنند، بدون آن که احتیاجی به آن کار باشد و از پدر و مادر اجازه گرفته باشند . محلی را که پدر و مادر در آنجا زندگی می کنند ، بدون علّت و سببی ترک می کنند . گاهی اوقات برای تحصیل علم به شهر دیگری می روند و غربت را تحمّل می کنند در حالی که در محلّ سکونت پدر و مادرشان هم امکان تحصیل هست و نسبت به سایر شهرها کم و کاستی ندارد . فرزند نمی داند که غربت و دوری او از والدین سبب حسرت و اندوه و پریشانی آنان می شود و چه بسا یکی از والدین یا هر دو وفات می کنند و فرزندشان نیکی و احسانی در حقّ آنان انجام نداده و هنگام مرگ نیز بر بالین آنها نبوده است . در حالی که با میل و اختیار خود ، دوری از آنان را برگزیده است . امّا اگر دور شدن و غربت ضرورت داشته باشد و والدین اجازه دهند ، هیچگونه حرجی نیست و اشکالی ندارد .

۳۲- آرزو کردن زوال والدین : بعضی از فرزندان دعا و آرزو می کنند که هر چه زودتر والدینشان از دنیا بروند ، یا به خاطر به ارث بردن ثروتشان یا در صورتی که بیمار یا فقیر باشند ، به خاطر راحت شدن از زحمت مراقبت از آنان . در حالی که احسان به پدر و مادر ، سبب ارزش و عزّت انسان و خشنودی پروردگار است .

۳۳- کشتن والدین و خلاصی و نجات از آنها : گاهی اوقات ، فرزندان در نهایت شقاوت اقدام به قتل پدر و مادر خود می کنند یا به خاطر جهالت ، یا به علّت تحریک غضب یا به خاطر مستی یا طمع در میراث والدین یا اسباب و علل دیگر اگر خداوند ﷻ چنین شخصی را مشمول رحمت خود نکند ، چقدر بدبخت و روسیاه است و چه عاقبت بدی دارد !

مواردی که ذکر شد بعضی از صورتهای نافرمانی والدین است . این اعمال ناپسند و راه های خلاف شرع شایستهٔ اهل خرد نیست و از اهل تقوا و صلاح سر نمی زند .

با این توضیحات می توان تصوّر کرد ، کسانی که نافرمانی والدین را انجام دهند یا به مواردی که ذکر شد نزدیک شوند ، چقدر از خیر دور هستند و آنان که مطیع پدر و مادر خویشند ، چقدر خوشبختند .

بر هیچ کس پوشیده نیست که نافرمانی والدین ، چه عذاب هایی را بدنبال دارد و آنان که با پدر و مادر خود چنین رفتاری داشته اند ، به چه رسوایی و عذابی گرفتار شده اند .

۳- چند قصّه از نافرمانی والدین :

اصعمی روایت کرده است که در زمان عبدالملک بن مروان ، شخصی بود که پدرش در قید حیات بود و این جوان نافرمانی پدر می کرد و به او « منازل » می گفتند در همین مورد ، شاعر شعری سروده است که در ذیل می آید :

جزت رحم بینی و بین منازل   جزاء کما یستنجز الد ین طالبه

خویشاوندی ، میان من و منازل پاداش داد ، همانند پاداش طلب کاری که پرداخت دین خود را در خواست می کند . (یعنی هنگامی که طلب کار ، از مدیون پرداخت وام خود را طلب می کند ، باید از جانب مدیون با واکنش خوبی روبرو شود، امّا متأسفانه با برخورد نامناسبی از جانب او مواجه می شود . همچنین پدر به خاطر حقی که بر گردن فرزندش دارد ، از او توقع برخورد معقول و مناسبی را دارد ، ولی رفتار فرزند بر عکس آن است .

تربّت حتی صار جعداً شمردنا اذاقام ساوی غارب الفحل غاربه

پرورش یافت تا جوانی قوی و بلند قامت گشت. هنگامی که می ایستد ، شانه و گردن او با شانه و گردن شتر برابری میکند (یعنی قوی و بزرگ شده است)

تظلّمنی مالی کذاولوی یدی لوی یده الله الذی لا یبالغه

با ظلم و ستم مالم را گرفت و دستم را در هم پیچید و کوتاه کرد . خدای غالب و برتر دست او را در هم پیچید و کوتاه کند .

و انی لداعٍ دعوهً لودعوتها علی جبل الرّیان لا نهدّ جانبه

همانا دعایی را می خوانم که اگر آن را بر کوه ریان بخوانم اطراف و جوانب آن در هم می ریزد و می افتد . (منظور نفرین است . یعنی چنان دعای بد و نفرینی در حقّ این فرزند ناخلف می کنم که نابود شود .)

این عمل جوان به گوش امیرشان رسید . به دنبال جوان فرستاد تا او را مؤاخذه کند . شیخ به فرستاده امیر گفت که او از خانه بیرون رفته است . فرستاده

برگشت و بعد از مدتی آن جوان صاحب فرزندی شد که مانند خود او نافرمانی والدین را انجام می داد ، در اواخر دوران زندگی او را نافرمانی می کرد .

سپس شاعر گفت :

تظلّمنی مالی خلیج و عقّنی   علی حین کانت کالحَنی عظامی

در حالی فرزندم خلیج ، مالم را به زور و ظلم گرفت و نافرمانی کرد که استخوان هایم ضعیف شده است . (یعنی در حال پیری و ناتوانی که نیاز به خدمت و کمک داشت ، به او ستم کرد)

تخیَّرته و ازددته لیزیدنی   و ما بعض ما یزداد غیر عرامِ

او را برگزیدم و بسیار به او خدمت کردم تا به من خدمت فراوان کند، و آن چه من فکر می کردم غیر از سختی و آزار و اذیّت نبود . (یعنی به امید روزگار پیری و ناتوانی بر تربیت و خدمتش افزودم و او را برگزیدم ولی او (خلیج) در عوض محبّت و احسان ، رفتار مرا با خشونت و بد رفتاری پاسخ داد .

لعمری لقد ربّیته فرحاً به   فلا یفرحنّ بعدی امرؤٌ بغلامِ

به جان خودم سوگند که او را تربیت کردم تا به وسیلهٔ او خوشحال شوم که بعد از من هیچ کس به سبب فرزند و زندگی به اندازه من خوشحال نشود . (یعنی او را به خوشحالی تربیت کردم که روزی از دیدن او و رفتار و برخورد و احسان و خدمتش بهره مند شوم و لذت ببرم و شادمان گردم ، امّا همهٔ آرزوهایم نقش بر آب شد و هیچ لطف و محبّت و ادب و احترامی از او ندیدم .)

بعد از این امر ، والی قصد زدن جوان را داشت که او بـه والـی گفـت : « عجلـه نکن . این اشعار در مورد منازل بن فرعان است که پدرش سروده است .

جزت رحم بینی و بین منازل　　　جزاءً اکما یستنجز الدین طالبه

والی نیز به جوان گفت : ای جوان به سبب آن که نافرمان بودی فرزنـدت از تـو نافرمانی می کند .

۲- در اینجا قصه دیگری ذکر می شود که شخص از نافرمانی فرزندش اندوهگین است و با این اشعار ، فرزند نافرمان خود را سرزنش می کند :

غذوتک مولوداً و منتکُ یا فعاً　　　تُعَلُّ بما أجنی علیک و تنهلُ

در کودکی به تو غذا دادم و در جـوانی مشـقّت تـو را تحمّـل کـردم و تـو آرام پرورش می یافتی و همچنین به خاطر شفقت بر من آب خورانده شدی .

اذا لیله نالتک بالشکولم ابتِ　　　لشکواک الّا ساهراً أتَملَملُ

اگر شبی در وجود تو درد و ناراحتی پیدا می شد ، تمام آن شب را به خـاطر تـو بیدار بودم و از بی تابی بر خود می پیچیدم و به خاطر تو آرام نداشتم .

کأنّی انا المطروق دونک بالذی　　　طرقت به دونی و عینی تهمل

گویی من به درد و مصیبت گرفتار بودم نه تو و دائماً چشمانم اشک باران بـود . (یعنی در شب بیماری تو، من احساس رنج و درد می کردم و اشک می ریختم)

تخاف الردی نفسی علیک و انها　　　لتعلم ان للموت و قتُ مؤجّل

از ترس از دست دادن تو قلبم در تپش بود ، در حالی که برای مرگ وقت معیّنی است . (یعنی می ترسیدم که بر اثر بیماری از بین بروی ، اگر چه در زمان مرگ تقدیم و تأخیر نمی شود)

فلما بلغت السن و الغایه التی　　　　الیها مد ما کنت فیک اؤمّلُ

در زمانی که به سنّی که آرزو داشتم رسیدی و به این امید بودم که به من در آن زمان خدمت کنی و از تو بهره ای حاصل کنم .

جعلتَ جزائی غلظهً و فظاظهً　　　　کانک أنت المنعم المتفضل

امّا تو پاداشم را با خشونت و بد اخلاقی دادی ، گویی تو بر من احسان و بخشش نموده ای . (یعنی در عوض آن همه احسان پدر ، فرزند ناخلف با خشونت و بد رفتاری با پدر برخورد می کند ، انگار او به پدر احسان کرده که اکنون منّت می گذارد .)

فلیتک ان لم ترع حق ابوّتی　　　　فعلت کما الجار المجاور یفعل

ای کاش اگر حقّ پدر و فرزندی را رعایت نمی کنی و احترام پدر را به جا نمی آوری حداقل مانند یک همسایه مجاور عمل کردی ، یعنی ، پدر را مانند همسایه به حساب می‌آوردی یا بر خوردی مانند همسایه می داشتی

ما ولیتنی حق الجوار و لم تکن　　　　علیَّ بمالی دون مالک تبخل

پس حقّ همسایگی را می دادی و بر من از مال خودم بخل نمی ورزیدی ، یعنی حداقل از مال شخص من بر من خرج می کردی نه از مال خود زیرا مال نداشتی .

تراه معدّاً للخلاف کانّه　　　　بردٍّ علی اهل الصواب مؤکلُ

او را آماده مخالفت می بینی ، گویی او بر رد نمودن اهل صواب موکل شده است . (یعنی در هر کاری مخالفت می کند. انگار به او سپرده شده که در هر کاری مخالفت کند .)

۳- دکتر محمد الصباغ فرموده است : یکی از فرزندان ناخلف و نا اهل پدرش را به خانه سالمندان سپرد تا به قول خودش از شر پدرش خلاص شود و به تنهایی با زن خود عیش و نوش کند .

۴- استاد عبدالرئوف حناوی (رح) می گوید : « خویشاوندی داشتم که پدرش ثروت زیادی برای او به جا گذاشته بود و مالک زمین های متعدد و یکی از بزرگترین تجّار بود . روزی پدر بر فرزندش خشم گرفت و با سخت دلی تمام ، علیه فرزندش دعا کرد . سپس آن شخص فقیر شد و مشکلات زیادی دامنگیر او گشت و وفات نمود . در حالی که هیچ گاه بر راه غیر شرع نرفته بود و خلاف و فحشا نیز انجام نداده بود و مرتکب حرام نیز نشده بود . یادم هست که پدرم (رح) به او صدقه می داد و از خانه ما برای او و خانواده اش غذا می فرستاد .

۴- اسباب نافرمانی والدین :

نافرمانی والدین دارای اسباب زیادی است که در اینجا چند مورد را بیان می نماییم :

۱- جهل ونادانی : نادانی و جهالت یک مرض کشنده و از بین برنده انسان است و جاهل ، دشمن خویش است اگر شخصی از عواقب نافرمانی والدین در حال یا

آینده ، ناآگاه باشد و همچنین از ثمرات نیکی و احسان به والدین در حال یا آینده اطلاعی نداشته باشد ، نا آگاه او موجب نافرمانی والدین و دور شدن از نیکی و احسان به آنان می شود .

۲- تربیت سوء بد : اگر پدر و مادر فرزندان خود را خوب تربیت نکنند و آنها را به تقوی و نیکی و احسان و صله رحم و طلب مقام های رفیع تشویق ننمایند ، نتیجه آن تمرد و سرکشی و نافرمانی والدین است .

۳- اختلاف و تناقض در تعلیم فرزندان : گاهی پدر و مادر فرزند خود را تعلیم می دهند اما دقیقا بر شکل و محتوای تعلیم خود واقف نیستند و چه بسا به آنها تعلیم نادرست و خلاف اخلاق می دهند ، که نتیجه آن سرکشی و نافرمانی والدین است .

۴- همنشین بد برای فرزند : داشتن همنشین بد ، سبب فساد و هلاکت فرزند می شود و او را بر نافرمانی والدین جدی و سرکش می کند ، زیرا دوست بد ، فرزند را به نافرمانی والدین تشویق می نماید .

۵- نافرمانی والدین از پدر و مادر خود : این مورد یکی از مهمترین علل نافرمانی والدین است هنگامی که والدین نافرمانی پدر و مادر خود را کرده باشند ، به خاطر این رفتار سزای عمل خود را می چشند و فرزندان ایشان هم والدین خود را نافرمانی می کنند و این هم به دو دلیل است :

الف) فرزندان در این کار از پدر و مادر خود تقلید می کنند .

ب) جزای کار والدین نیز از جنس عمل خودشان است .

۶- قلت یا نداشتن تقوا و ترس از خدا در هنگام طلاق : بعضی از والدین هنگامی که بین آنها طلاق انجام می گیرد از خداوند ﷻ هیچ گونه ترسی ندارد و طلاق هم بین آنها با احسان واقع نمی شود بلکه هر یک ، فرزندان را علیه دیگری تحریک می کند هرگاه فرزند به نزد مادر می رود او تمامی مصیبت ها و مشکلات خود را برای فرزندش بازگو می نماید و او را علیه پدر تحریک می کند تا او را ترک کند همچنین هنگامی که به نزد پدر می رود مشکلات را برایش بازگو می کند و او را علیه مادرش تحریک می کند و نتیجه این کار چیزی جز نافرمانی والدین نیست و سبب آن هم خود والدین هستند چنان که ابوذویب الهذلی در شعری گفته است :

فلا تَغضبنّ فی سیرهٍ أنتَ سِرتَها　　　وَ أولُ راضٍ سُنَّهَ مَن یَسیرُها

بر آن روشی که خود آن را پایه گذاری کرده ای ناراحت مباش زیرا هر کس بر هر روشی که پایه گذاری می کند باید راضی باشد .

۷- تفرقه بین فرزندان : این کار سبب اختلاف و بغض و حسادت بین فرزندان می شود . طوری که هر یک از دیگر متنفر می شود و حتی سبب خشم والدین می گردد و فرزندان آنها را ترک می کنند و در هیچ کاری با والدین مشورت نمی کنند .

۸- ترجیح دادن راحتی و ترک کردن والدین : بعضی از اشخاص که پدر و مادر بیماری دارند مایلند که به نحوی از زحمت مراقبت از آنها آسوده شوند یا آنها را به خانه سالمندان می سپارند یا در جایی دور از والدین سکونت می گزینند و

یا به دنبال چاره ی دیگری هستند در حالی که آسودگی و آرامش در کنار والدین لذت بخش است و نیکی کردن به آنان در انسان آرامش ایجاد می کند.

۹- تنگ نظر بودن : بعضی از فرزندان آن قدر تنگ نظر هستند که نمی خواهند کسی در خانه خطایی انجام دهد مثلا اگر کسی شیشه ی خانه رابشکند یا اثاث منزل را در هم بریزد ، بسیار عصبانی می شوند و بر آن شخص خشم می گیرند و خانه را بر سرش خراب می کنند که این کار سبب ناراحتی و رنجش والدین می گردد و حتی بین آنها کدورت واقع می شود.

همچنین گاهی اوقات بعضی از فرزندان از أوامر والدین خود سرپیچی می کنند و خصوصاً هنگامی که یکی از آن دو یا هر دو غضبناک و سخت دل باشند در مقابل ، فرزند هم با تنگ نظری در برابر آنان قرار می گیرد.

۱۰-کمک نکردن والدین به فرزند خود در انجام کارهای نیک و احسان : بعضی از والدین در انجام کارهای نیک به فرزندان خود کمک نمی کنند و در هنگام انجام کارهای نیک آنها را ترغیب و تشویق نمی نمایند در حالی که بر انسان واجب است که در حق والدین احسان و نیکی کند هنگامی که فرزندان ترغیب و تشویق را از جانب والدین احساس نکنند ، چه بسا خسته می شوند و احسان و نیکی را ترک می کنند یا در انجام آن کوتاهی می نمایند.

۱۱- بد اخلاق بودن همسر : بعضی از افراد ، همسران بسیار بد اخلاقی دارند که ترسی از خدا ﷻ ندارند و حقوق زن و شوهری را رعایت نمی کنند. گاه در دل شخص نسبت به پدر و مادرش کینه ایجاد می کنند و گاه شوهر خود را به

سرکشی و سرپیچی از اوامر والدین تحریک می کنند و آنها را مجبور می کنند که پدر و مادر خود را ترک کنند و به آنها احسان و نیکی نکنند و تمام توجه خود را به زن خود معطوف کنند.

۱۲- احساس پدر و مادری نکردن : بعضی از پدر و مادرها ، احساس پدر و مادر بودن را ندارند . به همین علت ، اغلب اوقات ، اگر از فرزندشان عمل خلافی سر بزند او را سرزنش نمی کنند . مثلاً در مورد اعمالی مثل تاخیر در آمدن به منزل ، دور بودن از والدین ، آزار والدین وسایر نافرمانی هایی که فرزند انجام می دهد ، عکس العملی نشان نمی دهند .

علل واسبابی که ذکر شد ، موجب نافرمانی والدین می شود که موظفیم به آنها توجه کنیم و فرزندانمان را نیز به آنها متوجه گردانیم . خداوند ﷻ همه ی ما را اهل اصلاح و تزکیه و تقوا قرار دهد . آمین

۵- راه علاج

در صفحات گذشته بیان شد که حق وا لدین بسیار بزرگ است و ترغیب و تشویق در مورد نیکی و احسان به والدین و تحذیر از نافرمانی والدین بسیار مؤثر است و انواع و اسباب نافرمانی والدین نیز بیان شد .

چقدر شایسته است که هر شخص عاقل ، به خاطر انتظار ثواب و پاداشی که از خداوندﷻ دارد و همچنین به خاطر ترس از عذاب خداوند ﷻ ، بر احسان و نیکی به والدین خود حریص باشد و نهایت تلاش خود را در این مورد به کار ببرد و از نافرمانی والدین اجتناب کند .

با این توضیحات ، انسان باید معنای نیکی واحسان به والـدین را بدانـد و آداب آن را بشناسد و از اموری که انسان را به انجام آن یاری می کند ، آگاه باشد . در فصل بعد به شرح و توضیح این موارد خواهیم پرداخت .

فصل دوم

نیکی و احسان

۱- تعرف نیکی و احسان به والدین (برّ)

مفهوم بِرّ والدین ، مقابل عقوق یا نافرمانی والدین است . ابن منظور (رح) (« بِرّ» را ضد عقوق دانسته است) یعنی ، فرمان برداری از پدرومادر واحسان و نیکی به آنها .

از حضرت عبدالله بن عمر ﷺ روایت شده که فرموده است : خداوند ﷻ به این دلیل آنها را ابرار نامیده است که آنها به پدر و مادر و فرزندان خود نیکی و احسان می کنند و از آنها فرمانبرداری می کنند و همچنین گفته شده است همان طور که تو بر فرزندت حق و حقوقی داری فرزند تو نیز بر تو حق و حقوق دارد .

۲- آدابی که در مورد والدین رعایت می شود

در اینجا آدابی را که رعایت کردن آنها در مورد والدین مناسب است ، بیان می کنیم تا شاید بتوانیم با رعایت این موارد ، قسمتی از حقوق پدر و مادر را ادا کنیم و با انجام آنچه خداوند ﷻ بر ما واجب کرده است ، نزد او سرافراز و پیروز باشیم و رعایت این امور سبب گشادگی قلب ، سلامتی و آرامش در زندگی شود و همچنین به این وسیله امور زندگیمان آسان گردد ، خداوند ﷻ در عمرمان برکت دهد و گناهانمان را عفو فرماید .

۱- اطاعت از والدین واجتناب از معاصی و خطاهای آنان : اطاعت از والدین بر هر شخص مسلمان واجب است اگر چه باید از معاصی و خطاهای آنان اجتناب کند . هر انسان مسلمانی باید اطاعت والدین را بر اطاعت هر شخص غیر از

رسول خدا ﷺ مقدم بدارد تا زمانی که به معصیت خدا ﷻ ورسول ﷺ و سرپیچی از دستورات الهی امر نکنند. البته زنان از این مسئله مستثنی هستند، زیرا اطاعت از شوهر مقدم بر اطاعت والدین است.

۲- نیکی واحسان کردن به والدین: خواه با گفتار، یا کردار یا به صورت های دیگر باشد.

۳-گستردن بال های تواضع در برابر والدین: اطاعت از والدین، خود نوعی از تواضع است وهمچنین فرزندان باید با حالت فروتنی در مقابل والدین قرار گیرند.

۴- اجتناب از ناراحت کردن والدین: فرزند باید پدر و مادر را با نرمی مورد خطاب قرار دهد و با کلام شیوا و مناسب با آنان سخن بگوید و از بلند کردن صدای خود در مقابل آنها و آزار رسانیدن به آنها پرهیز کند.

۵- توجّه نمودن به والدین: یعنی در هنگام سخن گفتن، چهره ی خود را به طرف آنها بر گرداند و مواظب رفتار خود باشد. هنگامی که سخن می گویند سخن آنها را قطع نکند یا با آنها مجادله و تنازع نکند وهمچنین از رد کردن یا تکذیب نمودن سخن آنان پرهیز کند.

۶- شاد شدن از اجرای دستورات والدین: فرزندان باید از اجرای دستورات والدین اظهار شادمانی کنند. و از گفتن کلماتی مانند (اُف) که پدر و مادر را آزرده می سازد پرهیز نمایند چنان که خداوند فرموده است: « **فلا تقل لهما افٍّ ولا تنهر هما** »

از اینکه کلمه ای (اف) بگوئید که باعث رنجش والدین شود پرهیزکنید و به آنها کمترین آزاری هم نرسانید .

۷- خوشروئی کردن با والدین : یعنی در هنگام روبرو شدن با والدین با خوشروئی و خوشحالی رفتار کند و از ترش رویی و جمع کردن پیشانی پرهیز نماید .

۸- دوستی و محبت با والدین : سبقت گرفتن در سلام ، بوسیدن دست و سر آنها ، گذاشتن جای باز برای آنها در مجالس ، دراز نکردن دست به سوی غذا و نوشیدنی قبل از والدین در روز ، پشت سر والدین راه رفتن و در شب جلوتر از آنها قدم برداشتن خصوصاً اگر راه تاریک باشد یا کانال و چاهی وجود داشته باشد اما اگر راه روشن و واضح باشد پشت سر آنها راه رفتن اشکالی ندارد .

۹- با احترام نشستن در مقابل والدین : خوب نشستن ، پرهیز کردن از آن کار هایی که بوی اهانت و بی حیائی نسبت به والدین از آن استشمام می شود ؛ مثل دراز کردن پا ، خنده ی قهقهه در روبروی آنها ، و آنچه بر بی ادبی دلالت کند

۱۰- اجتناب از منت گذاشتن در هنگام خدمت یا در وقت بخشش و هدیه دادن به والدین : منت گذاشتن عملی است که ارزش کار انسان را منهدم می کند و از بین می برد و جزء خو های زشت است . اگر منّت گذاشتن در باره والدین باشد ، زشتی و قبح آن خیلی بیشتر است فرزند باید تا حد توان خود در خدمت والدین باشد و با این وجود به کوتاهی خود در بخشش و خدمت به آنها اعتراف کند و

از آنان به خاطر آن که استطاعت ادای حق آنها را ندارد ، عذر بخواهد زیرا والدین به خاطر فرزندان خود زحمات فراوانی را متحمل شده اند .

۱۱- مقدم بودن حق مادر : حق مادر از اموری است که باید رعایت شود و مقدم بر هر کاری است و همچنین مهربانی و احسان و نیکی در حق مادر مقدم بر مهربانی و عطوفت و احسان در حق پدر است در حدیثی از حضرت ابوهریره ﷺ روایت شده است : « **جاءَ رَجُلٌ إلى النَبی ﷺ فقال : یا رَسول الله مَن أولی الناس بحسنِ صحابتی ؟ قال : أُمُکَ ، قال : ثُمَّ مَن ؟ قال : أُمُکَ ، قال ثُمَّ مَن ؟ قال : أُمُکَ ، قال : ثُمَّ مَن ؟ قال : أَبوکَ** »

مردی به نزد رسول خدا ﷺ آمده ، گفت : یا رسول الله ﷺ چه کسی به خوش رفتاریم سزاوارتر است ؟ فرمود : مادرت .گفت : باز چه کسی ؟ فرمود : مادرت . گفت : باز چه کسی ؟ فرمود مادرت . گفت : باز چه کسی ؟ فرمود : مادرت . گفت : باز چه کسی ؟ فرمود : پدرت .

ابن بطال در شرح حدیث می فرماید : مقتضای حدیث این را می رساند که حق مادر سه برابر حق پدر در نیکی و احسان است به خاطر سه مورد : ۱- تحمل وزن فرزند در شکم ۲- وضع حمل ۳ - خوردن شیر از مادر ، مادر در این سه کار به تنهایی مشکلات را تحمل می کند اما پدر فقط در تربیت اولاد شریک است و بعضی گفته اند مادر در نیکی و احسان و عطوفت و مهربانی مقدم است و پدر در اطاعت ، زیرا پدر رئیس و امیر خانواده است .

۱۲-کمک کردن با والـدین در کارهـا : هنگـامی کـه شـخص والـدین خـود را می بیند در حال انجام کاری هستند ، به کمک آنها بشتابد ، نه اینکه از کار فرار کند و آنها را کمک و مساعدت ننماید .

۱۳- اجتناب از ترسانیدن والدین : پرهیز از ترساندن والدین در خواب یا بیداری با کارهایی مثل بلند کردن صدا ، گفتن خبرهای غم انگیز و غیره

۱۴- اجتناب از مشاجره و دعوا در مقابل والدین : اگر کسی بخواهد مشکلات و مسائلی را که بین خانواده یا برادران وجود دارد ، حل وفصل کنـد ، بایـد دور از چشم والدین و در جایی که آنها حضور ندارند این کار را انجـام دهـد تـا سـبب رنجش والدین گردد .

۱۵- اجابت کردن والدین با سرعت : در هنگام دستور والدین چه شخص مشغول کاری باشد یا نباشد ، به کمک آنها و اجابت سـخن آنهـا بشـتابد . زیـرا گـاهی اوقات افراد مشغول کار هستند و اگر والدین ، آنها را صدا بزنند ، طوری خود را نشان می دهند که صدایشان را نشنیده اند و اگر فارغ باشند جواب می دهند . در حالی که هر شخص باید در هر حال لبیک گویان به اجابت خواسته والدین خود بشتابد .

أصُمُّ عن الأمرِ الذی لاأریدُه   واسمَعُ خَلقَ الله حینَ أُریدُ

در وقت کاری که اراده اجابت آن را ندارم کر هستم و وقتی که مـی خـواهم و اراده انجام کاری را دارم صدا را می شنوم .

۱۶- عادت دادن فرزندان به نیکی و احسان : هر شخص باید در خدمت به والدین برای فرزندان خود یک الگو باشد . به والدین خود خدمت کند و نیکی به والدین را به فرزند تعلیم دهد تا فرزندان به این کار عادت کنند و به والدین خود و به والدین پدر و مادرشان خدمت نمایند . پدر و مادر باید بین فرزندان و والدین خود یک پل ارتباطی باشند .

۱۷- اصلاح و برقرار کردن صلح بین والدین در هنگام اختلاف : هر فرزند باید خود را مأمور بداند هنگامی که بین پدر و مادرش اختلافی واقع می شود میان آنها صلح برقرار کند و هر فرزند باید از دیگری در این کار سبقت بگیرد تا بین آنها نزدیکی و ارتباط و صلح برقرار شود .

۱۸- اجازه خواستن در هنگام داخل شدن بر والدین : احتمال دارد که هر یک از پدر و مادر در حالی باشند که نخواهند کسی آنها را ببیند و بهمین خاطر فرزند باید هنگام دخول اجازه بگیرد .

۱۹- پدر و مادر را بسوی خداوند ﷻ متوجه ساختن و پند دادن : یعنی در صورتی که از امور دین چیزی نمی دانند ، فرزند باید آنها را تعلیم دهد . اگر بعضی از مظاهر و علائم فسق و معصیت و خطا در آنها یافت می شود ، آنها را امر به معروف و نهی از منکر کند اما باید مراقب باشد که این کار را با نهایت لطف و مهربانی و دلسوزی انجام دهد و اگر قبول نکرد صبر پیشه نماید .

۲۰- اجازه گرفتن از والدین و پذیرفتن نظر آنها : فرزندان باید در امور زندگی خویش از جمله همراهی با دوستان ، مسافرت با دوستان ، مسافرت برای تحصیل

یا غیره ، رفتن برای جهاد ، خارج شدن از منزل و سکونت در جای دیگر، از پدر و مادر اجازه کسب کند و در صورت موافقت آنان ، به آن کار اقدام کنند در غیر این صورت ، آن را ترک نمایند بویژه اگر پدر و مادر برای گفته خود دلیل عقلی و محکمی داشته باشند .

۲۱- پذیرفتن سخنان والدین : اگر پدر و مادر ، فرزندانشان را نصیحت کنند فرزند باید بپذیرد ، مثلاً در مورد هم نشینی با افراد صالح و دوری از اشرار ، دوری از مکانهای خلاف شرع و مجالس شُرب خمر ، استماع آلات موسیقی و غیره .

۲۲- اجتناب از ملامت و محکوم کردن والدین : اگر از والدین عملی سرزند که مورد پسند فرزند نبود ، فرزند نباید آنها را ملامت و محکوم کند ، بلکه باید به روشی که ناراحت نشوند و بپذیرند به آنها یاد آوری کند بعضی از فرزندان طوری والدین را سرزنش می کنند که آنها اصلاً مایل نیستند به سخنان فرزند خود گوش بدهند . سرزنش هایی مثل کوتاهی کردن در مورد فرزندان ، پند ندادن آنان در گذشته .

۲۳- انجام دادن کارهایی که پدر و مادر را خوشحال می کند اگر چه امر نکرده باشند : رعایت حق برادران ، صله رحم ، اصلاحات در منزل ، مزرعه و زمین ، هدیه دادن به والدین و برادران و هر چیزی که آنها را خوشحال کند .

۲۴- پی بردن به طبع و خوی والدین و عمل کردن به روش خودشان : اگر یکی از والدین یا هر دو افرادی غضبناک و خشن و سخت دل باشند یا صفاتی داشته

باشند که فرزند آن را نمی پسندد ، باید طوری با آنها رفتار کند و به گونه ای آنها را متوجه نماید که بپذیرند و ناراحت نشوند .

۲۵- دعا کردن و استغفار زیاد برای والدین : خداوند ﷻ فرموده است : ﴿ وَقُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيراً ﴾ اسراء /۲۴

بگو پروردگارا چنان که پدر و مادر مرا به مهربانی پرورش دادند تو در حق آنها رحمت و مهربانی فرما ﴿ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ﴾ نوح / ۲۸

بار الها مرا و پدر و مادر من و هر که با ایمان به خانه ی من داخل شود و همه ی مردان و زنان با ایمان عالم را ببخشای و بیامرز و ستمکاران را جز بر هلاک و عذر ایشان میفزای .

۲۶- نیکی و احسان به والدین بعد از وفات آنها : از مواردی که بر عظمت حق و حقوق والدین و وسعت رحمت خداوندﷻ دلالت دارد این است که فرزند ، نیکی و احسان به والدین را بعد از وفات آنها نیز قطع نکند زیرا افرادی هستند که در زمان زندگی والدین خود در حق آنها کوتاهی کرده اند اما وقتی پدر و مادر از دنیا رفته اند پشیمان شده اند و آرزو کرده اند که بار دیگر والدینشان به دنیا برگردند تا بتوانند در حق آنها نیکی و احسان کنند تا حقوق تضییع شده والدین ادا شود و آنچه را از دست رفته است جبران کنند . نیکی و احسان به والدین بعد از وفات آنها با امور ذیل صورت می گیرد :

- فرزند صالحی بعد از آنها مانده باشد .
- در حق پدر و مادر زیاد دعا و استغفار کند .
- از جانب والدین صله رحم انجام دهد .
- به قولی که به والدین داده عمل شود .
- از جانب آنها صدقه بدهند .

۳- اموری که انسان را بر نیکی به والدین کمک می کند

نیکی و احسان به والدین نعمتی از جانب خداوند ﷻ است که به هر بنده ای از بندگان خویش که بخواهد عطا می کند در این بخش اموری که انسان را در نیکی به والدین یاری می رساند مطرح شده است و بسیار مناسب است که انسان آنها را پیشه خود قرار دهد :

۱ـ استعانت و مدد خواستن از خداوند ﷻ : به وسیله برخود واجب دانستن فرائض و عبادت کردن و دعا به درگاه خداوند ﷻ ، تا به این وسیله خدا ﷻ انسان را در احسان به والدین موفق نماید .

۲ـ شناخت فضائل احسان و نیکی و عواقب و خطرات نافرمانی والدین : شناخت ثمرات احسان و نیکی و حسن عواقب احسان از بزرگترین انگیزه ها و وسایل برای انجام بِرّ و نیکی و سعی و تلاش به سوی آن است همچنین تفکر و عواقب نافرمانی و چیزهایی که منجر به غم و اندوه و حسرت و ندامت می شود انسان را به انجام احسان و نیکی به والدین کمک می کند و سبب اجتناب شخص از نافرمانی آنها می شود .

۳-شناخت فضیلت والدین بر انسان : والدین سبب وجود فرزند در این کره خاکی بوده اند و به خاطر او رنج ها و مشقت های فراوانی را تحمل کرده اند او را پرورش داده اند و محبت و دوستی نثارش کرده اند پس شناخت فضیلت والدین یکی از راههای بسیار موفقی است که منجر به احسان و نیکی به والدین می شود .

۴-انس دادن نفس با نیکی و احسان : برای هر شخص شایسته است که خود را با نیکی و احسان به والدین انس دهد و نفس را بر آن مجبور سازد و با نفس خود جهاد کند تا این کار در سرشت و طبع و خوی او قرار گیرد .

۵-ترس از خدا ﷻ در حالت طلاق : بر والدین واجب و ضروری است در صورتی که امکان اصلاح و توافق بین آنها امکان ندارد و تنها راه چاره طلاق می باشد باید که هر یک از آنها فرزندانشان را بر احسان و نیکی نسبت به دیگری سفارش کند و طوری نباشد که هر یک علیه دیگری نقشه بکشد و فرزندان خود را بر دیگری تحریک کند زیرا اگر فرزندان با نافرمانی والدین انس گرفتند و عادت کردند از زندگی خود خیری نمی برند و هم خود و هم فرزندان خود را بد بخت و بیچاره می کنند و در وادی هلاکت قرار می دهند .

۶-در فکر اصلاح و موفقیت پدر بودن : زیرا که موفقیت پدر سبب موفقیت فرزند است و موجب نیکی و احسان به والدین می شود .

۷-توصیه کردن به نیکی و احسان : این کار به چند صورت است مثل تشویق نیکوکاران ، ذکر کردن فضائل احسان و نیکوکاری ، خیر خواهی و نصیحت کسانی که نافرمانی می کنند ، ذکر کردن عاقبت نافرمانی .

۸-کمک کردن فرزند بر نیکی و احسان : هر پدری باید به فرزند خود در احسان کردن به والدین خود و دیگران کمک کند و باید فرزندان خود را تشویق نماید و از آنها تشکر کند و برای موفقیت شان دعا کند. چنان که روایت شده است بعضی از پدران آنقدر با فرزندان و نوه های خود همکاری می کنند که آنان تحمل و طاقت جدایی و دوری از پدران خود را حتی به اندازه یک چشم به هم زدن ندارند ، اگر چه عمر پدر شان از صد سال هم بگذرد و حتی افرادی هستند که در این اوقات بیشتر به پدران خود خدمت می کنند و با هم مسابقه می دهند و از این کار خود لذت می برند . از مهمترین وسایلی که انسان را به نیکی و احسان به والدین تشویق می کند ، موارد زیر است :

الف) پدر بهترین مددکار برای فرزند باشد .

ب) فرزندان خود را دوست داشته باشد .

ج) برایشان زیاد دعا کند .

د) از فرزندان سپاسگزاری کند .

هـ) به طریقی با فرزندان خود رفتار کند که سبب خوشحالی آنان گردد .

ی) آنها را با بهترین نام صدا بزند .

۹- فرزند ، خود را به جای پدر و مادرش قرار دهد:یعنی با خود بیاندیشد که اگر در آینده ، پدر یا مادر شود ، میل دارد فرزندانش با او بد رفتاری کنند ؟ بویژه در زمان پیری که موهایش سفید شده باشد و توانایی حرکت نداشته باشد .

۱۰- خواندن سیره نیکوکاران و کسانی که نافرمانی والدین را انجام می دهند : خواندن سیره نیکوکاران از اموری است که همت را تحریک می کند و انسان عزم خود را برای احسان به والدین جزم می کند و در این کار نهایت کوشش خود را انجام می دهد .

۱۱- خواندن سیرت و روش کسانی که نافرمانی والدین خود را می کنند : و آگاهی یافتن بر گرفتاری هایی که از این رفتار بد نصیب آنان شده است ، سبب نفرت انسان از نافرمانی می شود و از آن دوری می گزیند و موجب نزدیکی و رغبت به سوی نیکی و احسان می گردد .

۱۲- پدر و مادر ، به فرزندان بفهمانند که از احسان و نیکی آنها شادمان و از نافرمانی آنها ناراحت می شوند : اگر فرزندان این حس را بفهمند برای انجام نیکی و احسان تحریک می شوند و از نافرمانی والدین بیزاری می جویند .

۴- طریقه رفتار با همسر و والدین

این بخش هم جزء آدابی است که باید در مورد والدین رعایت شود و هم جزء اموری است که انسان را در نیکی و احسان به والدین یاری می کند و در صفحات قبل ، مواردی از آن بیان شد اما به دلیل اهمیت موضوع به صورت جداگانه در اینجا شرح می دهیم :

گاهی اوقات انسان به خاطر ایجاد توافق با همسر و والدین خود دچار سر درگمی می شود زیرا گاه ممکن است زن ، خدا ترس نباشد و مایل باشد که شوهرش فقط با او زندگی کند و با پدر و مادر خود انس و الفت نداشته باشد و گاه ممکن است والدین یا یکی از آنها دارای اخلاق خاصی باشند که هیچ شخصی مورد پسندشان قرار نگیرد و چه بسا فرزند شان را مجبور کند که زنش را طلاق دهد در حالی که فرزند به این امر راضی نیست .

گاهی اوقات والدین احساس می کنندکه فرزندشان تابع زن خویش است و زنش در همه امور تصرف دارد و فرزند شان در تنگنا قرار گرفته است در حالی که مرد آن گونه که والدین تصور می کنند تابع زن خود نیست یا گاهی اوقات از حق خود می گذرد و حقش ضایع می شود .

آیا در چنین شرایطی ، مرد فقط باید در خانه بنشیند و زانوی غم بغل بگیرد و چاره ای بیندیشد و نافرمانی والدین را انجام دهد و با پدر و مادرش بد رفتاری کند و آنها را کم عقل جلوه دهد و با سخت دلی و تکبّر در راه ارضای همسر خویش قدم بردارد یا اینکه در حالی که والدین او بر خطا هستند به خاطر موافقت با آنان تمام گفته هایشان را در مورد همسر خویش تصدیق کند و با او بد رفتاری نماید ؟

هیچ یک از این دو روش صحیح نیست بلکه نهایت تلاش خود را در اصلاح ذات البین و وسعت نظر هر دو طرف به کار ببرند و آنها را به هم نزدیک کند و بینشان موافقت و دوستی بر قرار نماید. البته هر شخصی که قصد ایجاد موازنه و

برابری بین حقوق و واجباتی را دارد که بین مردم در تعارضند و قصد اصلاح دارد در ابتدای کار در حالت حیرت و شک و تردید قرار می گیرد در چنین شرایطی دانش و توانایی شخص عاقل برای ادای حقوق هر فرد بدون آن که به کسی ظلم شود ظاهر می گردد .

از جمله مسائلی که بر عظمت شریعت اسلامی دلالت دارد این است که دارای احکامی است که در تمام موارد توازن و برابری را رعایت کرده است و هر انسان عاقلی که قصد ایجاد توازن و برابری دارد با توفیق خداوند ﷻ توانایی اعطای حق هر فردی را داراست بسیاری از مشکلات خانواده و اجتماع بشری به خاطر عدم وجود توازن و برابری است انسان عاقل باید نهایت تلاش خود را به کار ببرد تا حق هر شخصی را ادا کند و به وظیفه اش عمل نماید ، خواه به نفع یا ضرر او بیانجامد .

در اینجا مواردی که بوسیله آن انسان می تواند از عهده ی ایجاد توازن برآید ، بیان می گردد که این ارشادات هم به والدین و هم به زن و شوهر مربوط می شود ؛ بویژه مادر شوهر را بیشتر مورد خطاب قرار می دهد تا به این راهنمائی عمل کند و آن را سرلوحه ی کار خود قرار دهد .

ابتدا ، مواردی که به شوهر مربوط می شود :

۱- مراعات حق والدین و فهمیدن خو و طبیعت آنان : فرزند باید پس از ازدواج ، نیکی و احسان به والدین را از یاد نبرد و در مقابل آنان طوری به همسر خود اظهار محبت نکند که سبب ناراحتی آنان شود بویژه اگر والدین یا یکی از آن دو

دارای خلق و خوی خاصی باشند چه بسا ابراز محبت به همسر در مقابل والـدین در دلشان خشم و کینه ایجاد می کند و غیرتشان به ویژه غیرت مادر ، به جـوش می آید . رفتار فرزند باید به گونه ای باشد که والدین را نیز راضـی و خوشـحال کند .

۲- به وجود آوردن محبت بین همسر و والدین : فرزند مـی توانـد بـه همسـرش سفارش کند که مثلاً هدیـه ای بـرای والـدین او ببـرد یـا هدیـه ای بخـرد و بـه همسرش بدهد تا او به والدینش تقدیم کند این مورد از مواردی است کـه سـبب نرم شدن و دوستی و محبت می شود و سوء ظـن هـا و بـد گمـان هـا را از بـین می برد .

۳- میانه روی با زن : شوهر باید حقوق زن خود را بشناسد و رعایت کند و تمام گفته های پدر و مادر خود را مورد همسرش نپذیرد و نسبت به همسرش گمـان نیک داشته باشد و سخنان او را هم قبول کند .

۴- تفاهم داشتن با همسر : شوهر می تواند برای همسرش توضیح دهد که والدین جزء لاینجزای زندگی او هستند و نمی شـود آنهـا را رهـا کـرد و بـه همسـرش بفهماند که هیچ گاه نافرمانی آنان را نخواهد کرد . هیچ گونه اهانتی را نسبت به پدر و مادرش نخواهد پذیرفت در مقابل به همسرش بگوید که تو را هم دوست دارم و تو هم در مقابل باید صبر را پیشه خود قرار دهی و حق والـدین مـرا نیـز رعایت کنی اگر زن با والدین شوهر خود بد رفتاری می کند ، شوهرش می تواند برای او یاد آوری کند که روزی او هم مادر خواهد شد دیگران با او همین رفتار

را خواهند کرد همچنین برایش توضیح دهد که این رفتار او جز ضـرر و ذلـت و خواری چیز دیگری به ارمغان نمی آورد اما اگر نرمی و مهربانی را اختیار کنـد هیچ زیانی به او نخواهد رسید بلکه بر ارزش و مقام او افزوده خواهد شد و ایـن عمل او نیز مورد پسند خداوند ﷻ قرار خواهد گرفت .

دوم ، مواردی که به زن مربوط می شود :

- ترجیح دادن شوهر برخود
- اکرام خویشاوندان شوهر
- نهایت تلاش در اکرام والدین شوهر به ویژه مادر

این موارد مساوی با اکرام و نیکی به شوهر است و موجب ایجاد انس و الفـت و ارتباط قوی و خاموش شدن آتش فتنه می گردد .

زن از نظر شرع مأمور به حفظ خویشتن داری با همسـر و خـانواده ی اوسـت و حق شوهر بر زن بیشتر از حق خانواده ی زن بـر اوسـت زن موظـف اسـت کـه دوستی با خویشاوندان شوهر را حفظ کند و مراقب باشد که در دل آنها کینـه و ناراحتی به وجود نیاید . این امر سبب به وجود آمـدن ارتبـاط قـوی بـین مـردم می شود .

اکرام و احترام زن نسبت به والدین شوهر با توجه به این که آنها هم سن و سال والدین خود او هستند ، بر بزرگواری و شرافت او دلالت می کند و جزء اخـلاق اسلامی و نشانه کرامت انسانی است حتی اگر این کار را فقط بـه خـاطر جلـب رضایت شوهر و به دست آوردن محبت خویشاوندان و برای در امـان مانـدن از

اختلافات انجام دهد بسیار خوب و مبارک است اما به شرطی که همیشه دوام داشته باشد .

زن بزرگوار و با شرافت ، باید مادر همسر خود را همچون مادر خویش بپندارد و نباید از یاد ببرد که مادر همسرش کسی است که برای فرزندش زحمات زیادی تحمل شده است مثل حمل فرزند در شکم ، شیر دادن ، پرورش دادن ، محبت و مهربانی کردن با فرزند و نهایت تلاش خود را در پرورش او به کار برده و به او امید بسته است آیا می شود با این زحمات از او دریغ کرد ؟

زن باید مادر شوهر را به جای مادر خود قرار دهد همان طور که هر دختری ممکن است از سوی مادر خود اذیت و جفاهایی را تحمل کند و وظیفه دارد در مقابل اذیت های مادرش صبر کند ، از مادر همسر خود نیز می تواند گاهی آزار و اذیت هایی را تحمل نماید . بدیهی است اگر در هر خانواده ای آداب اسلامی رعایت شود و هر کس حد خود و حقوق دیگران را رعایت کند زندگی خوشی پیش روی افراد خواهد بود و چنین خانواده هایی می توانند الگویی برای سایر خانواده ها باشند . زن باید متوجه باشد که همسرش به اهل و خانواده خود بیش از خانواده او علاقه مند است که در این مورد جای ملامت نیست ، زیرا خود زن ، خانواده اش رابیشتر از خانواده ی همسرش دوست دارد . پس باید مراقب باشد که او را در مورد خانواده اش ملامت نکند و حتی اگر نقطه ضعفی داشته باشد مثلاً در حقوق فرزندشان و همسرش کوتاهی کرده باشند یا آنها را آزار

داده باشند نباید نقاط ضعف آنان را برای همسرش یاد آوری نماید زیرا این امر ، سبب نفرت شوهر از زن و اعراض از او می گردد .

اگر زن در مورد احترام گذاشتن و محبت ورزیدن به خانواده ی همسر خود نهایت تلاش را انجام دهد مانند آن است که به همسر خود احترام گذاشته است در غیر این صورت یا در صورت انجام دادن کارهایی که خلاف آن راثابت کند مرد نیز محبت خود را نثار همسرش نخواهد کرد و در زندگی آنها کدورت به وجود خواهد آمد .

اگرشخصی به والدین خود احسان کند و خانواده اش را دوست بدارد این رفتار او دلیل بر آن است که او انسان فاضل ، بزرگوار ، با کرامت و صالحی است و شایسته است که همسرش به او احترام بگذارد و از او تشکر کند و او را شخصی با کرامت و بزرگواری بداند و برای موفقیت او دعا کند زیرا شخصی که به پدر و مادر خود احسان نکند نه به خود نفعی می رساند و نه برای همسر و فرزند و دیگر افراد جامعه مفید واقع می شود . زنی که به بد رفتاری شوهرش با والدین خود راضی است و در این که همسرش نافرمانی والدین را بکند اشکالی را نمی بیند ، آیا مایل است که زن برادر های او این رفتار را با مادرش انجام دهند ؟ و آیا راضی است که در هنگام پیری و ناتوانی ، همسر فرزندش با او چنین رفتاری داشتهٔ باشد اگر زن در مورد نیکی و احسان به والدین ، همسرش را یاری کند ، این امر سبب حل مشکلات و مصائب ، از بین رفتن تنگ نظری ها و سایر گرفتاری ها می شود زیرا هنگامی که والدین شوهر از سوی همسر فرزند خود ،

دوستی ، محبت ، و صمیمیت احساس کنند ، ارتباط آنها با خانواده ی فرزندانش ، قوی تر خواهد شد و هر دو خانواده ، احساس نزدیکی بیشتری خواهند کرد چه بسا افرادی هستند که همسران فرزندان خود را همچون دخترانشان یا حتی بیشتر دوست می دارند و آن هم به این علت است که هر یک از دو طرف خیر خواه دیگری هستند و نسبت به یکدیگر خویشتن داری می کنند .

از مواردی که سبب جای گرفتن محبت زن در قلوب والدین همسر می شود امور زیر است :

- اگر از سوی والدین همسر ، به زن ظلمی شود صبر نماید .

- از صبر کردن خود انتظار اجر و ثواب را داشته باشد .

- در عواقب امر نگاه کند .

- سخن والدین شوهر خود را با دل و جان پذیرا باشد .

- با آنان به نرمی سخن بگوید .

- در هنگام ملاقات با آنها اول سلام کند .

- خوش گفتار باشد و به عهد خود وفا کند .

- به همسر خود نسبت به رعایت حق والدین توصیه کند .

- رفتارش به گونه ای نباشد که شوهرش احساس کند که همسرش از والدین او ناراحت و پریشان است .

- اگر از سوی والدین شوهر احساس ناراحتی کرد ، به درگاه خداوند ﷻ زاری و تضرع کند تا خداوند ﷻ قلوبشان را به سوی او مایل گرداند .

زنی که تمام این موارد را رعایت کند پاداش عمل خود را هم در دنیـا و هـم در آخرت خواهد یافت در دنیا از او به نیکی یاد می کنند و در آخرت نیز مستحق ثواب بسیاری است و خداوند ﷻ او را مورد عفو قرار می دهد .

سوم : مواردی که به مادر شوهر مربوط می شود :

بعضی از مادران بدون اینکه متوجه بدی کار خود باشند فرزندشان را در تنگنا قرار می دهند آنها چون فرزند شـان را دوسـت دارنـد و خواهـان خوشـبختی او هستند تمام تلاش خود را در مـورد خواستگاری و ازدواج فرزندشـان بـه کـار می برند اما به خاطر متوجه نشدن بعضی از مسـائل، خـود و فرزنـد شـان را در سختی قرار می دهند و با این عملشان متحمل ضرر می شـوند هنگـامی کـه پسـر ازدواج می کند مادر احساس می کند که محبـت فرزنـدش بـه سـوی همسـرش سرازیر شده است و به همین علت می خواهد او را به سوی خود برگرداند .

بنابراین او را با عذر ها و بهانه های مختلف علیه همسرش تحریک می کنـد و حتی گاهی به او پیشنهاد می کند که از همسرش جدا شـود و مـی گویـد کـه شخص بهتری را برای همسری او سراغ دارد در حالی که همان زن ممکن است از نظـر خلق و خـو و زیبـایی و سـایر خصوصـیات بـرای فرزنـدش از هـر کسـی مناسب تر باشد بعضی از مادران دارای اخلاق خاصی هستند گاهی اوقات فرزنـد خود را در حالی می بینند کـه بـه همسـرش محبـت مـی ورزد و او را اکـرام و احترام می کند به همین سبب آتش غیرت در قلبشـان شـعله ور مـی شـود و بـه کــارهایی دست می زنند که عاقبت آن قابل ذکر و بیان نیست .

بعضی دیگر از مادران آن قدر سخت دل هستند که توانایی توافق و همکاری با همسر فرزندشان را ندارند عیب های او را بزرگ جلوه می دهند و محاسن و خوبی های او را پنهان می کنند درباره ی او دروغ می بافند و از هر راهی برای تخریب او استفاده می کنند و طوری جلوه می دهند که خودشان از آن عیوب مُبَرّا هستند اما نمی دانند که این اعمال برای خانواده و فرزندشان جز ضرر و زیان چیزی بهمراه ندارد اگر مادری به فکر خوشبختی فرزند خویش است و او را دوست دارد نباید با آتش غیرت خود ، آرامش خانواده ی او را بسوزند و از بین ببرد و نباید در ذهن خود خیال بافی کند و گمان سوء بپرورد و به این وسیله مشکلات ومصائب را برای همه به وجود آورد بلکه با همسر فرزندش طوری باید رفتار کند که او بتواند مادر همسرش را به جای مادر خود قرار دهد .

به همسر فرزندش احسان و نیکی کند و اگر خلافی از او مشاهده کرد ، خیر خواه او باشد و با نرمی و مهربانی نصیحتش کند تا خود و فرزندش و تمامی خانواده خوشبخت باشند وخیر یکدیگر را بخواهند .

مادر باید با قلب پاک خود و با سوز دل برای فرزند و خانواده او خالصانه دعا کند و به فکر خوشبختی زوجین باشد واز آنان به خوبی یاد کند تا او را ناصح و خیر خواه خود بدانند و در هنگام مشکلات با او درد دل کنند ، برایش دعا کنند و به او نیکی واحسان نمایند و این امر موجب خرسندی پروردگار گردد . در پایان از خداوند تبارک و تعالی می خواهم که تمام مشکلات خانواده ها را از جانب خود حل و فصل گرداند و محبت و دوستی خود و محبتی را که به خاطر

خدا ﷻ باشد در قلب همه قرار دهد وما را از وسوسه های شیطانی و مکائد وفریب آن در پناه خود محفوظ بدارد . آمین

۵- چند قصه از نیکی به پدر و مادر

در صفحات قبل در مورد احسان به والدین آدابی که رعایت آن در مورد پدر و مادر مناسب است و همچنین اسبابی که ما را در احسان به والدین یاری می کند سخن گفته شد و برای هر شخصی شایسته است که همه موارد را بداند و به آن عمل کند تا بتوانیم امیدوار باشیم که خداوند ما را جزء بهترین بندگانی که در وقت ندای پروردگار لبیک گویان نزد او حاضر می شوند و اگر آمرزش گناهان خویش را از او طلب کنند خداوند آنها را معاف می کند .

به دلیل آن که انبیاء و مرسلین و تابعین برای ما الگو هستند و ما باید در زندگی خود به آنان اقتدا کنیم داستان هایی در مورد نیکی و احسان به والدین از آنان ذکر شده است و در این بخش نقل خواهد شد خداوند ﷻ به خاطر احسان آنان به والدین منزلشان را در دنیا و آخرت بلند گردانیده و نامشان را جاوید گذاشته است .

شخصی که این داستانها را مطالعه کند با خواندن آنها احساس آرامش می کند و با گذشت زمان بر تازگی این داستانها افزوده می شود و افراد با مطالعه آنها به نیکی و احسان به والدین و دیگران تشویق می شوند و از نافرمانی والدین اجتناب می کنند از خداوند متعال می خواهیم که در کارهای خیر پیروزمان گرداند .

الف) چند قصه از نیکوکاری انبیاء :

۱- قصه حضرت نوح عليه السلام : خداوند جل جلاله این قصه را به خاطر اهمیت آن در قرآن ذکر نموده است و طریقه نیکی و احسان حضرت نوح عليه السلام را همراه با روش دعا و استغفار آن حضرت برای والدین بیان فرموده است و آن را برای ما عبرت و پند قرار داده است .﴿ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ﴾ نوح / ۲۸ . بار الها مرا و پدر و مادر مرا و هر که را با ایمان به خانه من داخل شود و همه مردان و زنان با ایمان را ببخشای .

۲- حضرت ابراهیم عليه السلام : امام موحدین حضرت ابراهیم خلیل عليه السلام به خاطر ترس از گمراهی و هلاکت پدرش او را با لطف و مهربانی و حرص شدید و رغبت و امید برای هویت و نجاتش مورد خطاب قرار می دهد و از او می خواهد که به خدا ایمان بیاورد خداوند جل جلاله در قرآن این قصه را چنین بیان می فرماید : ﴿ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا - إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنكَ شَيْئًا - يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا - يَا أَبَتِ لَاتَعْبُدِالشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا - يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴾ مریم / ۴۵-۴۱

و در کتاب خود یاد کن شرح حال ابراهیم را که بسیار راستگو و پیامبری بزرگ بود هنگامی که به پدر خود گفت : ای پدر چرا بتی جماد را که چشم و گوش ندارد و نمی تواند حاجتی را از تو رفع کند می پرستی ؟

ای پدر ! به من دانش آموخته اند که به تو نیاموخته اند ، پس تو از من پیروی کن تا به راه راست هدایتت کنم ای پدر هرگز شیطان را نپرست که او سخت با خدای رحمان مخالفت و عصیان کرد ای پدر می ترسم که از خدای مهربان بر تو قهر و عذاب رسد و در دوزخ با شیطان یار و یاور باشی .

می بینیم که ابراهیم علیه السلام پدرش را با کلمات زیبا و دل نشین و عبارت مهربانانه مورد خطاب قرار می دهد و سخن او در اعماق دل انسان جای می گیرد و اگر انسان سخت دل نباشد این سخنان بر دل او تاثیر زیادی می گذارد و سبب هدایت و نجات و رستگاری او می گردد .

۳- حضرت اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام : در داستان اسماعیل علیه السلام بهترین مثال نیکی و احسان در طول تاریخ بشریت مشاهده می شود هنگامی که پدرش به او گفت : « يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ » صافات / ۱۰۲

فرزندم ! در خواب دیده ام که تو را ذبح می کنم .

آیا فرزند صالح ابراهیم علیه السلام از خود تنبلی و تردد نشان داد و سعی کرد از زیر بار شانه خالی کند .

خیر ، بلکه چنان که قرآن فرموده است :

گفت : « قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِى إِن شَاء اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ »
صافات / ۱۰۲

ای پدر ! کاری را که بدان امر شده ای انجام بده ان شاء الله مرا از بندگان صبور و شکیبا خواهی یافت .

روایت شده است ، هنگامی که حضرت ابراهیم ﷺ از آنچه در خواب دیده بود ، مطمئن شد و یقین حاصل کرد ، به فرزندش گفت : ای اسماعیل ، ریسمان و تیشه را بردار تا با هم به آن وادی برویم و هیزم بیاوریم .

هنگامی که با هم به وادی (شبید) رفتند ، به اسماعیل ﷺ گفت : من قصد انجام ماموریت خود را دارم اسماعیل ﷺ پاسخ داد : ای پدر دست و پای مرا محکم ببند تا دست و پا نزنم و لباسهایت را جمع کن تا به خون آلوده نگردد مبادا مادرم آن را ببیند کاردت را خوب تیز کن و در هنگام بریدن شتاب نما تا زودتر راحت شوم و احساس درد نکنم .

هنگامی که به نزد مادرم برگشتی از جانب من به او سلام بگو . پدر در جواب فرمود : (آری فرزندم من به کمک تو نیاز دارم تو باید در این کار مرا یاری کنی .) در حالی که هر دو گریه می کردند ابراهیم ﷺ شروع به انجام ماموریت خود کرد کارد را بر حلقوم اسماعیل گذاشت اما کارد نبرید سه بار آن را تیز کرد باز هم نبرید در آن هنگام اسماعیل به پدرش گفت صورت مرا بر زمین قرار ده زیرا وقتی نگاهت به چهره من می افتد بی اختیار به من رحم می کنی ابراهیم ﷺ چهره اسماعیل را بر زمین قرار داد و چند بار کارد را بر

گردن او کشید اما کارد نبرید در این لحظه حضرت ابراهیم عصبانی شد و کارد را بر زمین کوبید کارد به سوی آن حضرت برگشت و گفت : (خداوند ﷻ به این کار دستور نمی دهد .) آنگاه به او ندا داده شد : « يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا» صافات / ۱۰۵-۱۰۴ . ای ابراهیم تو مأموریت عالم رویا را انجام دادی .

۴- حضرت عیسی ؑ : پیامبری که خداوند ﷻ از او و مادرش در جاهای متعددی از قرآن به بزرگی یاد کرده است حضرت عیسی ؑ به مادرش احسان و نیکی می کرد و در گهواره نیز پروردگار را عبادت می نمود خداوند ﷻ از قول حضرت عیسی ؑ در قرآن فرموده است : ﴿ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ﴾ مریم / ۳۲

به نیکویی با مادر سفارشم نمود و مرا شقی و ستمکار قرار نداد .

ب) چند قصه از نیکوکاری سلف صالح :

در اکثر کتب دینی مطالبی در سیرت و روش سلف صالح نوشته شده است و حتماً چند صفحه ای به نام مبارک آنان مزین است که می تواند بر اهتمام ایشان نسبت به نیکوکاری والدین داشته باشد به همین دلیل چند قصه از آنان را اینجا بیان می کنیم .

۱- داستانی درباره ابومره مولی ام هانی دختر ابوطالب : روزی با حضرت ابوهریزه بر مرکبی سوار شدند و به سر زمین عقیق رفتند هنگامی که به آنجا

داخل شدند ابومره با صدای بلند فریاد زد (علیک السلام و رحمه الله و برکاته ای مادرم) در جواب مادرش فرمود : (و علیک السلام و رحمه الله و برکاته) .
ابو مره گفت : خداوند تو را مورد عفو و بخشش خود قرار دهد و بر تو رحم کند چنان که مرا در کودکی تربیت کردی . مادرش گفت : (فرزندم ! خداوند به تو نیز جزای خیر دهد و از تو راضی باشد ، چنان که در بزرگسالی خود به من نیکی و احسان کردی .)
۲-در مورد حضرت عبدالله بن عمر ﷺ : روایت شده که شخصی از بادیه نشینان در راه مکه او را ملاقات نمود عبدالله بن عمر ﷺ به او سلام کرد و او را بر الاغ خود سوار کرد و عمامه را از سر خود برداشت و بر سر او گذاشت . ابن دنیار می فرماید : به آن حضرت عرض کردیم (خداوند ﷻ تو راصالح و نیکوکار قرار دهد ، این شخص یک اعرابی است و با چیز اندکی راضی می شود) عبدالله بن عمر ﷻ فرمود : این کار را به این خاطر انجام دادم که این شخص ، دوست پدرم حضرت عمر بن خطاب ﷺ بود و من از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود : « إنَّ أبَرَّ البِرِّ صِلَةُ الوالدِ أهلَ وُدِّ أبيه » از بهترین نیکی ها این است که فرزند رابطه اش را با دوستان پدرش حفظ نماید .
۳- داستانی در باره حارثه بن نعمان ﷺ : حضرت ام المومنین عایشه (رضی الله عنها) روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود : داخل جنت شدم و در آنجا قرائت و صدایی را شنیدم سوال کردم این چه کسی است ؟ گفتند : حارثه ابن

نعمان ، این است جزای نیکوکاری ، ایـن اسـت جـزای نیکوکـاری ، و حضـرت حارثه بن نعمان نیکوکارترین شخص به مادرش بود .

۴ـدر مورد کهمس بن الحسن : ابوعبدالرحمان الحنفی روایـت کـرده اسـت کـه کهمس بن الحسن در خانه خود عقربی را دید قصد داشت آن را بکشد یا بگیرد و از خانه بیرون اندازد به محض اینکه به او حمله کرد ، عقرب به داخل سوراخی پناه برد .

کهمس دستش را داخل سوراخ کرد تا آن را بگیرد و عقرب هم واکنش نشان داد و او را گزید به کهمس گفتند : از این کار چه هدفی داشتی ؟ گفت : ترسـیدم از سوراخ بیرون آید و به مادرم نزدیک شود و او را بگزد .

۵- در مورد حضرت زین العابدین (ابوالحسن بن علی بن الحسین بن علی بـن ابـی طالب ﷺ : این حضرت یکی از بزرگان تابعین است که به مادرش زیاد نیکـی و احسان می کرد و آن قدر احسان می کرد که به او می گفتنـد تـو نیکوکـارترین شخص نسبت به مادرت هستی . اما تا به حال تـو را ندیـده ایـم کـه بـا مـادرت غذابخوری علت چیست ؟ فرمود : از این می ترسم که دست من جـایی رود کـه چشم مادر به آن قسمت از غذا نظر کرده باشد و با این کار جزء افرادی باشم که نافرمانی والدین را کرده اند .

۶- در مورد محمد بن سیرین : هشام بن حسن روایت کرده است : حفصه دختـر ابن سیرین فرمود : مادر محمد بن سیرین اهل حجاز بود و کار رنگ آمیزی لباس را خوب انجام می داد و هر وقت محمد بن سیرین قصد خرید لباسی داشـت نـرم

ترین آن را می خرید زیرا در وقت عید ، مادرش لباس های او را رنگ می کرد و من هیچ گاه ندیدم که بر سر مادر فریاد بزند و صدایش را از صدای مادرش بلند تر کند و در وقت صحبت احتیاط کامل را رعایت می کرد . ابن عون روایت کرده است : هنگامی که محمد بن سیرین با مادرش صحبت می کرد ، طوری صدای خود را پائین می آورد که اگر کسی او را می دید گمان می کرد که مریض است .

شخصی از خانواده سیرین روایت می کند : (هنگامی که محمد بن سیرین با مادرش صحبت می کرد حالتی داشت که انگار تضرع و زاری و التماس می نمود .)

ابن عون در جای دیگری نقل می کند : (شخصی نزد محمد بن سیرین آمد در هنگامی که کنار مادرش بود .به مادرش گفت : محمد را چه شده ؟ آیا مریض است ؟ گفتند : خیر . خصلتش این است که در نزد مادرش این گونه رفتار و صحبت می کند .

۷- در مورد محمد بن منکدر : جعفر بن سلیمان در مورد محمد بن منکدر نقل می کند که این حضرت صورت خود را بر زمین می گذاشت سپس به مادرش می گفت : ای مادر برخیز و قدمهایت را برروی صورتم بگذار .

۸- در مورد ابن عون المزنی : نقل شده که مادرش او را صدا زد . او در هنگام جواب دادن صدایش را از صدای مادرش بلندتر کرد . به همین خاطر در قبال این کار دو غلام آزاد کرد .

۹- در مورد فرزند عمر بن ذر : نقل شده که ازعمر بن ذر پرسیدند که رفتار فرزندت با توچگونه بود : فرمود : (اگر در روز راه میرفتم پشت سرم حرکت می کرد و اگر در شب راه می رفتم در جلو حرکت می کرد و امکان نداشت که او را در جایی بالاتر از من یا در بلندی بنشیند که من پائین تر از او قرار گیرم و همیشه مرا در بالا می نشاند و خودش در پائین می نشست .)

۱۰- در مورد صالح العباسی : نقل شده که صالح عباسی در مجلس منصور حضور یافت و در هنگام سخن گفتن این جمله را تکرار می کرد : (خداوند ﷻ پدرم را رحمت کند .)

ربیع به او گفت : در حضور امیر المومنین این جمله را زیاد تکرار مکن . در جواب فرمود : (من تورا ملامت نمی کنم زیرا حلاوت و شیرینی پدر را نچشیده ای .)

منصور در آن هنگام تبسم کرد و فرمود : (جزای کسی که به بنی هاشم تعرض کند همین است .)

۱۱- در مورد بندار : او از جمله کسانی بود که به والدین خود نیکی و احسان می کرد و ذهبی در مورد او فرموده است : (به خاطر نیکی و احسان به مادر از بصره کوچ نکرد و در همانجا درس را ادامه داد .)

عبدالله بن جعفر بن خاقان المروزی نقل کرده است : از بندار شنیدم که فرمود : (برای طلب علم قصد خروج از بصره را داشتم ، اما مادرم مرا منع کرد . من هم اطاعت کردم . خداوند ﷻ هم در علم من برکت قرار داد .)

۱۲- اصمعی روایت کرده : شخصی از بادیه نشینان به من گفت : برای پیدا کردن نیکوکارترین و بدترین شخص از نظر نافرمانی والدین از شهر خود بیرون رفتم ، هنگامی که برای این کار خارج شدم موقع ظهر و در شدت گرمی ، پیرمردی را دیدم که در گردنش دلوی بود وبه وسیله آن از چاه آب می کشید که شتر طاقت تحمل آن را نداشت و جوانی هم پشت سرش بود و با شلاق او را میزد و کمرش زخمی شده بود . به اوگفتم : آیا از خدا ﷻ نمی ترسی ؟ آیا همین کافی نیست که با این دلو آب را از چاه بالا می کشد که تو هم او را اذیت می کنی ؟

در جواب گفت : (این فرد پدر من است .)

گفت : (خداوند ﷻ تو را جزای خیر ندهد که این کار را انجام می دهی .)

فرزندش گفت : (سکوت کن ، به این خاطر این کار را انجام می دهم که پدرم با پدرش و پدرش با اجدادش همین کار را انجام می داد .)

سپس به راه خود ادامه دادم ، تا به جوانی رسیدم که در گردن خود زنبیلی داشت ودر داخل آن زنبیل پیرمردی بود . انگار جوجه ای در داخل زنبیل قرار داشت . جوان ، هر ساعت او را در مقابل خود می گذاشت و ماند جوجه پرندگان به او غذا می داد و او را می پرورد .

سپس به راه خود ادامه دادم ، تا به جوانی رسیدم که در گردن خود زنبیل داشت و در داخل زنبیل پیرمردی بود . انگار جوجه ای در داخل زنبیل قرار داشت ! جوان هر ساعت اورا در مقابل خود می گذاشت و مانند جوجهٔ پرندگان به او غذا می داد واز او نگهداری می کرد .

به او گفتم : (این چه کاری است ؟ پاسخ داد : این پدرم است که ضعیف شده و من سرپرستی و کفالت او را به عهده دارم . سپس این شخص گفت : (آن جوان نیکوکارترین افراد است .)

۱۳- داستانی در مورد طلق بن حبیب : او یکی از بهترین بندگان خدا و از علمای بزرگ بود که بر سر مادرش بوسه می زد وخصلت او این بود که به خاطر احترام به مادر بر پشت بام خانه ای که مادرش در آن قرا داشت راه نمی رفت .

۱۴- داستانی در مورد عامر بن عبدالله : عامر بن عبدالله بن زبیر فرموده است : هنگامی که پدرم وفات نمود ، تا یک سال ، غیر از بخشش پدرم - چیز دیگری از خداوند طلب نکردم .

خداوند به همه ما توفیق عمل عنایت بفرماید.

پایان باز نویسی ترجمه ۱۳۸۳/۷/۲۷

در مسجد جامع خواف